

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیداری اسلامی

(ضمیمه تاریخ معاصر ایران)

سال سوم آموزش متوسطه
کلیه رشته‌ها

(به استثنای رشته‌های ادبیات و علوم انسانی — علوم و معارف اسلامی)

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب : بیداری اسلامی (ضمیمه کتاب تاریخ معاصر ایران) - ۲/۲۵۳

مؤلف : دکتر علی اکبر ولایتی

ویراستار : سید اکبر میرجعفری

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : سید احمد حسینی

صفحه‌آرا : زهره بهشتی شیرازی

حروفچین : فاطمه باقری مهر

مصصح : فرشته ارجمند، نوشین معصوم دوست

امور آماده‌سازی خبر : فاطمه پزشکی

امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاچاهی، پیمان حبیب‌پور

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

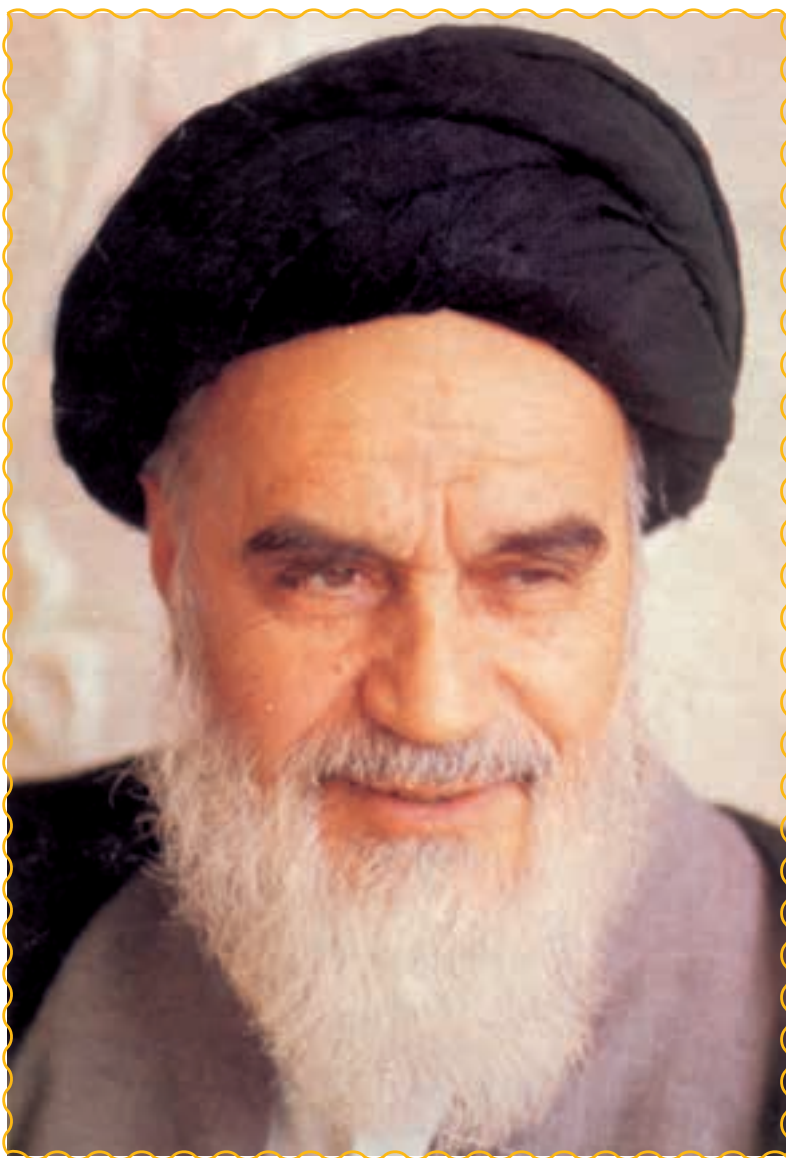
تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۵-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ اول ۱۳۹۲

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۴-۲۲۲۶-۵-۹۷۸-۹۶۴-۰ ISBN 978-964-05-2226-4



آیا وقت آن نرسیده است که ملت‌های اسلامی از جای خود برخیزند و سردمداران خود را یا در مقابل شرف اسلام خاضع کنند و یا با آنان همچون ایران عمل کنند؟ آیا حکومت‌های به اصطلاح اسلامی در خواب‌اند و نمی‌بینند که امروز وضع ملت‌ها غیر از سابق است؟

حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)

فهرست مطالب

- درس بیست و ششم :
پیشینه بیداری اسلامی در جهان اسلام
۱
- درس بیست و هفتم :
بیداری اسلامی در ایران
۱۳
- درس بیست و هشتم :
امواج نوین بیداری اسلامی در جهان اسلام
۲۷
- منابع و مأخذ
۴۳

درس بیست و ششم

پیشینه بیداری اسلامی در جهان اسلام

در این درس با تعریف بیداری اسلامی، علل و زمینه‌های شکل‌گیری و گستره جغرافیایی آن در جهان اسلام آشنا می‌شوید.

تعریف بیداری اسلامی

بیداری، از نظر لغوی به معنی هوشیاری و برخوردار شدن فرد از آگاهی است. بیداری اسلامی، به معنای حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی، تجدید حیات اسلام در کالبد فرد و جامعه، دعوت مجدد به اسلام، احیای ارزش‌های اسلامی و بازگشت به خویشن اسلامی است.^۱

اهداف بیداری اسلامی

عمده‌ترین هدف بیداری اسلامی بازگرداندن دین به عرصه زندگی فردی و اجتماعی است. هدف‌های غایی و متعالی آن، ساختن تمدن جدید اسلامی و در نهایت تأسیس یک تمدن اسلامی با گستره جهانی است که در آن عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع شود.^۲

خاستگاه و سرآغاز بیداری اسلامی

بیداری اسلامی متعلق به کشور و منطقه خاصی نیست و به کل جهان اسلام تعلق دارد؛ با این حال خاستگاه اولیه آن چهار کشور مهم ایران، مصر، عثمانی و هند بوده است. در هر کدام از این کشورها، رخداد‌های مهمی به وقوع پیوست که باعث جهش فکری اندیشمندان، متفکران، مبارزان مسلمان و سپس مردم برای بازیابی هویت واقعی خود، یعنی هویت اسلامی از طریق بازگشت به خویشن اسلامی شد. آشنایی با غرب نیز به همان اندازه در شکل‌گیری بیداری اسلامی تأثیر داشته است که اندیشمندان

۱- صوفی نیارکی، تقی، بیداری اسلامی (هویت تمدنی و چالش‌های پیش رو) در اندیشه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۱، ص ۲۹.

۲- همان، ص ۳۰.

و متفکران مسلمان اقدام به مطالعه و سپس مقایسهٔ علل پیشرفت جهان غرب و علل عقب‌ماندگی جهان اسلام کردند. به عبارت دیگر، متفکران و مبارزان مسلمان اقدام به ریشه‌یابی علل فروپاشی تمدن اسلامی پس از تجربه کردن دوران درخشان و پرافتخار گذشته و همچنین شکل‌گیری تمدن غرب پس از سپری کردن دوران جهل و تاریکی قرون وسطی کردند.

تعیین تاریخی دقیق برای آغاز بیداری اسلامی کار آسانی نیست؛ اما در هر یک از چهار کشور ذکر شده حوادثی رخ داد که نقطهٔ آغازی برای تاریخ بیداری محسوب می‌شود. در اینجا به اختصار این موضوع را در این چهار سرزمین بررسی می‌کنیم.

۱- عثمانی: ناکامی امپراتوری عثمانی در فتح وین (۱۰۹۴/ق/۱۶۸۳م)، شکست از روسیه (۱۱۰۸/ق/۱۶۹۶م)، انعقاد قرارداد کارلوویتس (۱۱۱۱/ق/۱۶۹۹م) میان روسیه و عثمانی، که عثمانی برای نخستین بار به‌عنوان دولتی شکست‌خورده قراردادی را امضا کرد و سرانجام، از دست دادن شبه‌جزیرهٔ مسلمان‌نشین کریمه (۱۲۳۵ش/۱۸۵۶م)؛ از جمله عواملی بود که متفکران این منطقه را به بازنگری در افکارشان واداشت.

۲- ایران: شکست نظامی ایران در برابر روسیه در دورهٔ فتح‌علی‌شاه قاجار و از دست دادن ایالات و ولایات مهمی در قلمرو شمالی و امضای دو عهدنامهٔ تحمیلی گلستان (۱۱۹۱ش/۱۸۱۳م) و ترکمنچای (۱۲۰۶ش/۱۸۲۸م) و تحمیل رژیم کاپیتولاسیون بر ایران سرآغاز بیداری ایرانیان بود.

۳- مصر: حملهٔ ناپلئون به مصر (۱۱۷۷ش/۱۷۹۸م) و سپس سلطهٔ استعماری انگلستان بر این کشور، نقطهٔ عطفی در تاریخ این کشور محسوب می‌شود و باعث شد اندیشمندان مصری را به تفکر وادارد.

۴- هند: تسلط استعمار انگلیس بر شبه‌قارهٔ هند و شکست مقاومت مسلحانهٔ مسلمانان هند در برابر انگلیسی‌ها در نبرد پلاسی (۱۱۳۶ش/۱۷۵۷م)،^۱ سرآغاز بیداری دانشمندان مسلمان این منطقه بود.

عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری بیداری اسلامی

- ۱- آگاهی نسبت به عقب‌افتادگی‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی؛
- ۲- آگاهی از پیشرفت‌های مادی و علمی جهان غرب و مقایسهٔ آن با جوامع اسلامی؛
- ۳- توجه به گذشتهٔ پرافتخار و پرشکوه جهان اسلام و موفقیت آن در ایجاد تمدن اسلامی؛
- ۴- توجه به میراث علمی و غنی اسلام در عرصه‌های مختلف علوم و معارف بشری و نقش

۱- ولایتی، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (مدخل: بیداری اسلامی)، تهران، مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۱۳.

دانشمندان اسلامی در هدایت قافله بشری؛

- ۵- توجه به خرافات، بدعت‌ها و کاستی‌های موجود در عرصه اندیشه دینی در جهان اسلام؛
- ۶- توجه به تشتت، تفرقه و درگیری‌های فرقه‌ای در جوامع اسلامی؛
- ۷- استبداد، ظلم، چپاول اموال و بی‌عدالتی حاکمان کشورهای اسلامی؛
- ۸- وابستگی برخی از سردمداران جوامع اسلامی به کشورهای استعمارگر؛
- ۹- استعمار کشورهای اسلامی و آگاهی به ابعاد و پیامدهای آن؛
- ۱۰- آشنایی با مفاهیم جدید فکری، سیاسی و اجتماعی موجود در غرب، از قبیل آزادی، برابری، استقلال و....

برگی از تاریخ

شیخ محمد عبده (۱۲۴۸- ۱۲۸۴ ش/ ۱۸۴۹- ۱۹۰۵ م)

متفکر، متکلم، مصلح، مفتی دانشگاه الازهر و روزنامه‌نگار مصری؛ وی از برجسته‌ترین نواندیشان و احیایران دینی و اصلاح‌طلبان اجتماعی در جهان اسلام، به‌ویژه در جهان عرب محسوب می‌شود. او از شاگردان برجسته سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود و از افکار و اندیشه‌های وی نیز تأثیر زیادی پذیرفت. عبده در کنار تدریس و خطابه، به روزنامه‌نگاری هم روی آورد. او به همراه سیدجمال روزنامه «عروة الوثقی» را در پاریس منتشر کرد.



عبده توجه خاصی به بحران اندیشه دینی مسلمانان در مواجهه با تمدن غرب و مقتضیات جدید جهان اسلام داشت. او همچون سیدجمال در پی وحدت جهان اسلام بود و مقالات زیادی در این زمینه نوشت. همچنین با تعصب‌های فرقه‌ای مخالف بود و استبداد داخلی و استعمار خارجی را از عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌دانست. به نهج‌البلاغه توجه خاصی داشت و به قول خودش، وقتی نهج‌البلاغه را کشف کرد، درصدد شرح و نشر آن برآمد. عبده گرایش به اعتدال داشت و توانست نهضت بیداری اسلامی زمانه خود را به سمت اعتدال سوق دهد. این موضوع در آن عصر اهمیت زیادی داشت.

بیشتر بدانید

قاعده نفی سبیل

سبیل در لغت به معنای راه است. این قاعده ریشه قرآنی دارد و از آیه «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» به معنای «و خداوند هرگز راهی برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده است» (سوره نساء، آیه ۱۴۱)، نشئت گرفته است و از نظر روایی نیز با حدیث نبوی اعتلا در ارتباط است: «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه». ریشه بیداری اسلامی در منطقه، واکنش به تسلط ظالمانه کفار بر بلاد مسلمین طی دو قرن اخیر است. آیات و روایات بسیاری دلالت دارند که هرگونه ارتباط و دادوستدی که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمانان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، ناروا است و جایز نیست. فقها از این مطلب تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» یاد می‌کنند.

ویژگی‌های مشترک بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون

- تمایل برای بازگشت به اسلام راستین و اصیل؛
- توجه به وحدت جهان اسلام؛
- استعمارستیزی و ضدیت با نظام سلطه؛
- مبارزه با استبداد و دیکتاتوری حاکمان؛
- مردمی بودن و حضور گروه‌های مختلف اجتماعی در آن.

برگی از تاریخ

حسن البناء (۱۲۸۵-۱۳۲۷ش/۱۹۰۶-۱۹۴۹م)



مبارز اسلام‌گرای مصری بود که به همراه عده‌ای از همفکرانش جمعیت اسلامی «اخوان المسلمین» (الاخوان المسلمون) را در اسفند ۱۳۰۶/ مارس ۱۹۲۸ بنیان نهاد. هدف وی ایجاد پیوند برادری و وحدت امت اسلامی برای بازیابی عظمت و شکوه اسلام از طریق احیای احکام و شعائر مذهبی، مبارزه با فسق و فجور و بی بندوباری، از بین بردن

روحیه تردید و بی‌اعتقادی بود. از نظر وی وحدت امت اسلامی ستون جامعه اسلامی محسوب می‌شد. حسن‌البناء برای تحقق اندیشه‌ها و نظریات خود مؤسسات گوناگون فرهنگی - مذهبی تأسیس و روزنامه «اخوان المسلمین» را منتشر کرد. وی به منظور ارتقای سطح معرفتی و انسانی زنان مسلمان نیز تشکیلات «اخوات المسلمات» را تأسیس کرد. وی همچنین از پیشگامان تقرب مذاهب اسلامی و جزو مؤسسان «جماعه التقرب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره بود. در نهضت بیداری تحت رهبری حسن‌البناء، مسئله صهیونیسم و استعمارگر جدید یعنی آمریکا جایگاه مهمی داشت. با تلاش‌های مستمر او، اخوان المسلمین روز به روز گسترش یافت و شعبه‌های آن از چهار شعبه در سال ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م به هزار شعبه در سال ۱۳۲۷ ش / ۱۹۴۸ م رسید و بین سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۷ ش / ۱۹۴۶-۱۹۴۸ م نیز شعبه‌های آن در فلسطین، سودان، عراق و سوریه دایر شد. در اوایل زمستان ۱۳۲۷ / اواخر ۱۹۴۸ م، اخوان المسلمین خطری جدی برای پادشاهی مصر به‌شمار می‌رفت؛ از این رو، تصمیم به انحلال آن گرفته شد. حسن‌البناء نیز در ۲۳ بهمن ۱۳۲۷ / فوریه ۱۹۴۹ توسط عوامل دولت مصر ترور شد.

حسن‌البناء، با «جدایی دین از سیاست» (سکولاریسم) و نیز ملی‌گرایی غیردینی، به شدت مخالف بود و جدایی دین از سیاست را «نخستین گام سستی و منشأ فساد» می‌دانست. همچنین درباره عرب‌گرایی نیز بر این عقیده بود که اسلام هیچ‌گونه مرز جغرافیایی، یا اختلافات نژادی یا شهروندی را به رسمیت نمی‌شناسد. حسن‌البناء تمام مسلمانان را یک «امت» و کشورهای مسلمان را تنها یک کشور می‌دانست.

بیداری اسلامی در جهان عرب

سراغاز بیداری اسلامی در جهان عرب به تحولاتی برمی‌گردد که کشورهای عربی از راه‌های گوناگون با فرهنگ و تمدن غربی و نظام سیاسی غرب آشنا شدند و در مقایسه خود با غربی‌ها به عمق عقب‌ماندگی خود پی بردند. متفکران و اندیشمندان مسلمان عرب، یکی از راه‌های رفع عقب‌ماندگی را در بازگشت به اسلام اصیل و راستین دانستند. در مجموع، اندیشمندان عرب در دو قرن گذشته از نظر گرایش‌های فکری به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

الف) تمدن‌گرایان عرب‌گرا: اندیشمندان متعلق به این گرایش، از جمله طه‌طواوی و خیرالدین تونسلی، تمدن اروپایی را زاینده تمدن اسلامی می‌دانستند و اخذ تمدن غرب را راه احیای اندیشه اسلامی و پیشرفت مسلمانان می‌دانستند.

ب) تمدن‌گرایان اسلام‌گرا: اندیشمندان و متفکران این گرایش که مشهورترین آنها محمد عبده و عبدالرحمان کواکبی بودند که تحت تأثیر افکار سیدجمال‌الدین اسدآبادی قرار داشتند. اینان



عبدالرحمن کواکی

بر اصالت عقل و علم و توانایی اسلام در تمدن‌سازی، اتحاد مسلمانان و مبارزه با سلطه غرب تأکید می‌کردند.^۱

پ) اسلام‌گرایان سنتی: این گرایش که از اندیشمند بارز آن، رشید رضا بود، به لحاظ فکری با دو گرایش قبلی فاصله گرفت و به جنبش سلفیه روی آورد. سلفیه احیای اسلام را در بازگشت به سلف صالح (بزرگان صدر اسلام) می‌داند.

ت) اصول‌گرایان اسلامی: متفکران برجسته این گرایش فکری حسن‌البناء و سیدقطب بودند. این جریان فکری مخالف تفکر غرب‌مداری در اندیشه معاصر عرب بود و بیداری اسلامی را وارد مرحله نوینی کرد.^۲

برگی از تاریخ

شیخ شامل داغستانی (۱۱۷۶ – ۱۲۵۰ ش/۱۷۹۷ – ۱۸۷۱ م)

رهبر سیاسی، نظامی و مذهبی نهضت اسلامی داغستان بود و علیه حکومت روسیه تزاری مبارزه می‌کرد. وی از خلفای نقشبندی در منطقه قفقاز بود. شیخ شامل علوم اسلامی را تا مرحله اجتهاد آموخت و در کنار آن رزم و جهاد را نیز فراگرفت. او طی سال‌های ۱۲۰۸ تا ۱۲۰۹ ش از هم‌زمان قاضی محمد و حمزه‌بیگ (از رهبران سیاسی - مذهبی قفقاز) بود که پس از شهادت حمزه‌بیگ

۱- حکیمی، بیدارگران اقالیم قبله، ص ۳۴-۴۱.

۲- ولایتی، حرفی از هزاران، ص ۳۰۹-۳۱۲.

توسط تزارها، به مقام پیشوایی مسلمانان داغستان، چچن و اینگوش انتخاب شد و توانست به مدت بیست سال با تزارها مبارزه کند. او نظام حکومتی خود را بر مبنای قوانین شریعت اسلامی بنیان نهاد و به همین علت، سال‌های حکومت وی در داغستان به «عصر شریعت» مشهور است. شیخ شامل به علت مبارزاتش، سال‌ها در تبعید به سر برد و عاقبت در جریان ادای فریضة حج در سال ۱۲۵۰ ش/۱۸۷۱م در مدینه درگذشت و در گورستان جنت الباقی آن شهر مدفون شد.

بیداری اسلامی در شبه‌قاره هند

بیداری اسلامی در شبه‌قاره هند ارتباط مستقیمی با ورود استعمارگران به هند و سلطه آنان بر این سرزمین دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی، جریان بیداری اسلامی و جنبش‌های مسلمانان هند را می‌توان در سه دوره به شرح زیر بررسی کرد:

الف) جنبش‌های مسلمانان پیش از ۱۲۳۶ ش/۱۸۵۷ م. در این دوره دو حرکت اسلامی وجود داشت:

- ۱- جنبش‌های حاکمان و امیران مسلمان مانند سراج‌الدوله، حیدرعلی و تیپوسلطان. این جنبش‌ها غالباً از طریق مبارزه سیاسی و نظامی اهداف خود را دنبال می‌کرد.
- ۲- حرکت‌های متأثر از اندیشه‌های شاه‌ولی‌الله دهلوی. آنها مبارزه را از راه دگرگونی فکری مسلمانان می‌دانستند و در برخی موارد به مبارزه مسلحانه، برای احیای شکوه از دست رفته مسلمانان هند معتقد بودند.^۱

ب) جنبش‌های مسلمانان از سال ۱۲۳۶-۱۳۲۶ ش/۱۸۵۷-۱۹۴۷ م. اقدامات استعماری انگلیسی‌ها به قیام مردم در سال ۱۸۵۷ منتهی شد که به شدت سرکوب گردید.^۲ در سال‌های بعد، در واکنش به سرکوب مسلمانان، جنبش‌های بیدارگرانه زیر شکل گرفت:

- ۱- جنبش علیگر: این جنبش بر پایه اندیشه‌های سرسید احمدخان (۱۱۹۶-۱۲۷۷ ش/۱۸۱۷-۱۸۹۸ م) استوار بود که تأکید داشت مسلمانان هند برای رهایی از استعمار، باید علوم جدید را فراگیرند و به جای درگیری با انگلیسی‌ها، شیوه همزیستی با آنها را در پیش گیرند.
- ۲- جنبش دیوبند: رهبران این جنبش از پیروان شاه‌ولی‌الله دهلوی بودند که در صدد حفظ هویت مسلمانان هند از طریق آموزش و پرورش بودند.

۱- مونتقی، جنبش‌های اسلامی معاصر، ص ۱۸۸-۲۰۴.

۲- خامنه‌ای، مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ص ۲۰.

۳- جنبش ندوه/العلماء: ندوه العلماء یکی از مدارس مهم مذهبی در لکنهو بود که توسط علمای میانه‌رو اداره می‌شد. این جنبش نشست‌های مهمی برگزار کرد که هدف آن دفاع از اسلام از طریق ترویج و بهبود مطالعات اسلامی و اصلاحات اجتماعی بود.

۴- حرکت‌های پراکنده: از قبیل جنبش احمد رضاخان بریلوی و انجمن حمایت اسلام.^۱ در فاصله سال‌های ۱۲۳۶-۱۳۲۶ ش/۱۸۵۷-۱۹۴۷ م، مسلمانان در بُعد سیاسی نیز فعال بودند. مشارکت در تأسیس حزب کنگره و اقدام به تأسیس حزب مسلم لیگ از آن جمله است. این فعالیت‌ها به سیاسی شدن جریان‌های اسلامی و انسجام آنها منجر گردید.

پ) جنبش‌های مسلمانان پس از سال ۱۳۲۶ ش/۱۹۴۷ م: در سال ۱۳۲۶ ش/۱۹۴۷ م کشور مستقل پاکستان شکل گرفت؛ شیعیان نقش مؤثری در استقلال پاکستان داشتند. پس از آن جریان‌های اسلامی بیدارگرانه در این کشور، در قالب شش دسته زیر ادامه پیدا کرد:

۱- دیوبندی: این جریان در قالب تشکل «جمعیت علمای اسلام» تداوم یافت.

۲- بریلوی: نماینده این جریان «جمعیت علمای پاکستان» است.

۳- اهل حدیث: نماینده این جریان «جمعیت اهل حدیث پاکستان» است که با وهابیان عربستان سعودی روابط نزدیکی دارند.

۴- شیعیان: این جریان سال‌ها حزبی تشکیل نداده بود، ولی در نهایت «نهضت فقه جعفریه» را به رهبری مفتی جعفر حسین تأسیس کرد.

۵- جماعت اسلامی: این جریان توسط ابوالاعلی مودودی پایه‌گذاری شد.

۶- تبلیغی جماعت: تفکر این جماعت از نظر فکری نشئت گرفته از تفکرات شاه‌ولی‌الله

دهلوی بوده است.^۲

برگی از تاریخ

ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹ م/۱۲۸۲-۱۳۵۸ ش)

روزنامه‌نگار، متفکر، احیاگر دینی و فیلسوف سیاسی در شبه قاره هند؛ وی یکی از اندیشمندان جهان اسلام است که دیدگاه‌های سیاسی کلامی او تأثیرات عمیقی در جهان اسلام، به‌ویژه در

۱- ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد ۴، ص ۲۲۲-۲۳۱.

۲- ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۴، ص ۳۳۷-۳۴۰.

شبه‌قاره هند داشته است. او برای پیشبرد اندیشه‌هایش، ابتدا در سال ۱۹۳۸م/ ۱۳۱۷ش مؤسسه دارالسلام و سپس در سال ۱۹۴۱م/ ۱۳۲۰ش جماعت اسلامی را برای این کار تأسیس کرد. جماعت اسلامی پاکستان، حزبی است که معتقد به احیای اسلام واقعی بوده است. جماعت اسلامی مخالف تشکیل کشور پاکستان بود اما پس از تقسیم هند، مودودی به پاکستان رفت. او معتقد به بازگشت به سنت‌های اصیل اسلامی و اسلام سیاسی بود. وی دین اسلام را دینی کامل می‌دانست که در تمامی حوزه‌های زندگی انسان اعم از خصوصی و عمومی حضور دارد و به همین سبب نیز نظام سیاسی مورد نظر وی نیز کاملاً رنگی دینی و اعتقادی داشت. هدف اصلی حزب جماعت اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام در کشور پاکستان بود. مودودی تلاش می‌کرد تا با استمداد از اصول دینی، و بهره‌گیری از نظریات جدید سیاسی، نظریه‌ای هماهنگ با جهان امروز و در عین حال کاملاً اسلامی ارائه کند. از مهم‌ترین آثار مودودی، «جهاد در اسلام» است. نشریه‌ای را نیز به نام «ترجمان قرآن» راه‌اندازی کرد که تا پایان عمرش منتشر می‌شد. او در سال ۱۹۵۳م/ ۱۳۳۲ش دستگیر و به اعدام محکوم شد، اما مدتی در زندان ماند و بعدها مجازاتش تخفیف یافت و از زندان آزاد شد و عاقبت در سال ۱۹۷۹م/ ۱۳۵۸ش درگذشت.

بیداری اسلامی در عثمانی و ترکیه

بخش مهمی از جریان بیداری اسلامی در عثمانی در واکنش به ورود امواج غرب‌گرایی به آن امپراتوری شکل گرفت که در قالب اصلاحات به مرحله اجرا در آمد. بخش دیگری از بیداری اسلامی نیز به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده در حوزه نفوذ علما و نیروهای مذهبی پدید آمد. واکنش‌های احیاگرانه اسلامی غالباً از سوی پیروان طریقت‌ها، علما و طلاب علوم دینی بود. دوره غربگرایی انفعالی در عثمانی، به عصر تنظیمات معروف است. در عصر تنظیمات (۱۲۱۸-۱۲۵۵ش/ ۱۸۳۹-۱۸۷۶م) و سایر دوره‌های اصلاحات، گام‌های مهمی برای غربی‌سازی نظام اداری و سیاسی، پذیرش نهادهای مدنی غرب، عرفی کردن نظام حقوقی و قضایی صورت گرفت که موجب ضعف نهادها و نظام آموزش دینی شد. متقابلاً، واکنش‌های قابل توجهی از سوی علما و نیروهای مذهبی علیه این جریان شکل گرفت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- واکنش جمعیت فدائیان: اساس فکر رهبران این جمعیت، قتل سلطان عبدالحمید و مقامات بلندپایه کشور بود که قبل از اجرا کشف و اعضا و رهبران آن به شدت سرکوب شدند.
- ۲- واکنش جمعیت نوعثمانیان: اعضای این جمعیت با اصلاحاتی موافق بودند که با سنت عثمانی سازگار باشد.

۳- شورش صوفیه‌ها (طلاب علوم دینی): این شورش در سال ۱۲۵۵ ش/ ۱۸۷۶م شروع شد و به اعلان مشروطیت اول عثمانی منجر شد. از مهم‌ترین رویدادهای این دوره، سفرهای متعدد سیدجمال‌الدین اسدآبادی به استانبول و اثرگذاری بر جریان بیداری اسلامی در عثمانی از طریق تبیین و ترویج اندیشه اتحاد اسلام بود.

از جریان‌های اثرگذار اسلام‌گرا در سال‌های منتهی به تأسیس جمهوری ترکیه، می‌توان به «کمیته اتحاد و ترقی» (حزب اتحاد و ترقی بعدی) به‌عنوان جریان میانه‌رو و «جمعیت اتحاد محمدی» به‌عنوان جریان تندرو و افراطی اشاره کرد.

از ویژگی‌های جریان بیداری اسلامی در اواخر دوره عثمانی و جمهوری ترکیه، انتشار نشریات گوناگون برای ترویج افکار و اندیشه‌های اسلامی بود که می‌توان به مجله‌های «ولقان»، «سبیل‌الرشاد»، «صراط‌المستقیم»، «صدای حق»، «جریده علمیه» و «اسلام» اشاره کرد.

در دوره آتاتورک عرصه بر جریان‌های اسلامی به‌شدت تنگ شد و جنبش‌های اسلامی که با تجدد آمرانه و جداسازی دین از سیاست مخالف بودند، سرکوب شدند؛ یکی از آنها قیام شیخ سعید پیران بود. این در حالی بود که آتاتورک نیز مانند رضاشاه در دوره صعود به قدرت، عوام‌فربانه از توان نیروهای مذهبی در جنگ‌های استقلال (۱۲۹۸-۱۳۰۲ ش/ ۱۹۱۹-۱۹۲۳م) با عنوان «جهاد مقدس» بهره برده بود.

به مرور زمان در اثر اختلافات بین گروه‌ها و تشکل‌های مختلف اسلام‌گرا، این جریان به دو شاخه سنت‌گرا و متجدد تقسیم شد. سنت‌گرایان به‌طور کلی مخالف غرب بودند، ولی متجددان در مقابل غرب استقامت نمی‌کردند و در پی یافتن راهی برای ایجاد سازش بین اصول مذهبی و دستاوردهای دانش‌های نوین بودند.

پس از مرگ آتاتورک که نظام تک‌حزبی برافتاد، اسلام‌گرایان فرصت فعالیت پیدا کردند و مساجد، مؤسسات فرهنگی و نشریات مذهبی رونق یافتند. در دهه پنجاه میلادی حزب عدالت توسط عدنان مندرس تأسیس شد و مجدداً اذان عربی (در زمان آتاتورک به زبان ترکی اذان گفته می‌شد) از مآذنها پخش شد و مدارس دینی نیز تأسیس شدند. سرانجام ارتش علیه او کودتا کرد و وی را اعدام نمود و مدتی حکومت نظامی حاکم بود. تناوب روی کار آمدن دولت‌های اسلام‌گرا و کودتاها توسط ارتش که خود را میراث‌دار آتاتورک می‌دانست، از مشخصات بارز تاریخ بیداری اسلامی در ترکیه است. نقطه عطف بیداری اسلامی در ترکیه، تأسیس حزب نظام ملی با هدف ایجاد «ترکیه مسلمان»، در سال ۱۹۷۰م/ ۱۳۴۹ ش بود. آن حزب سرسلسله احزاب اسلامی بعدی از قبیل سلامت ملی، رفاه،

فضیلت و سعادت بود. سرانجام با جدا شدن شاخه‌ای غرب‌گرا از اسلام‌گرایان پیرو نجم‌الدین اربکان، حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان شکل گرفت که روش آنها هیچ‌گاه مورد تأیید اربکان قرار نگرفت و گذشت زمان صحت پیش‌بینی‌های اربکان را در مورد حزب عدالت و توسعه نشان داده است.^۱

بیشتر بدانید

میراث سیدجمال‌الدین اسدآبادی برای جریان بیداری اسلامی:

- ۱- اعتقاد به توانایی ذاتی اسلام برای رهبری مسلمانان؛
- ۲- مبارزه با روحیه‌ی وادادگی در برابر حوادث تحمیلی استعماری بر جهان اسلام؛
- ۳- بازگشت به منابع اصیل تفکر اسلامی؛
- ۴- تفسیر عقلی تعالیم اسلامی؛
- ۵- فراگرفتن علوم از سوی مسلمانان؛
- ۶- مبارزه با استعمار و استبداد به‌عنوان نخستین گام در راه خیزش اجتماعی و فکری مسلمانان.

علل ناکامی حرکت‌های بیداری اسلامی در گذشته

- ۱- خودباختگی در برابر توسعه‌ی فنی، علمی و مادی تمدن غرب؛
- ۲- تسلط تحصیل‌کردگان در جوامع غربی و شرقی در امور مدیریتی، فرهنگی و علمی جوامع اسلامی؛
- ۳- استیلای نظامی غرب و شرق از طریق تهدید، اشغال و یا کودتا و ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده و وابسته؛
- ۴- غلبه‌ی روحیه‌ی یأس و ناامیدی بر افکار عمومی مسلمانان و از میان رفتن اعتماد به نفس آنها در امکان ایجاد تغییر و تحول بنیادین؛
- ۵- ایجاد و غلبه‌ی روحیه‌ی سازش با حکومت‌های جائر در میان مسلمانان؛
- ۶- رسوخ و نفوذ تفکرات مادی مکاتب سرمایه‌داری غرب و کمونیستی شرق در جوامع اسلامی؛
- ۷- نبود رهبران قوی، آگاه و مردمی که بتوانند در آحاد جامعه وحدت و انسجام به‌وجود بیاورند.

۱- ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۴، ص ۲۸۳-۴۰۴.

پرسش‌های نمونه

- ۱- بیداری اسلامی را تعریف کنید.
- ۲- خاستگاه‌های اولیه بیداری اسلامی چه سرزمین‌هایی بود؟
- ۳- ویژگی‌های مشترک بیداری اسلامی در مصر، عثمانی و هند را بنویسید.
- ۴- علل ناکامی حرکت‌های بیداری اسلامی در گذشته را بیان کنید.

اندیشه و جست و جو

چرا بیداری اسلامی در جهان عرب از مصر شروع شد؟

بیداری اسلامی در ایران

در این درس ضمن مرور تاریخچه بیداری اسلامی در ایران از اوایل شکل‌گیری آن در دوره قاجاریه تا پیروزی انقلاب اسلامی، آثار پیروزی انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی(ره) بر روند بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی بررسی می‌شود.

بیداری اسلامی در دوره قاجاریه

همزمان با دهه‌های آغازین حکومت قاجاریه در ایران، تحولاتی رخ داد که موجب شکل‌گیری بیداری اسلامی در ایران شد. در این زمان کشور ما به یکی از کانون‌های رقابت قدرت‌های استعماری تبدیل شد و با توجه به ضعف‌های ساختاری حکومت ایران، مناسبات کشور ما با آن کشورها به استقرار روابط سیاسی و اقتصادی نابرابر و در نتیجه، تحمیل قراردادهای استعماری و جدایی بخش‌هایی از قلمرو ایران در شرق و شمال غربی شد. در نتیجه جنگ‌های ایران و روسیه بخش‌های وسیعی از قلمرو ایران به تصرف روس‌ها در آمد و دو عهدنامه گلستان (۱۱۹۱ش/۱۸۱۳م) و ترکمنچای (۱۲۰۶ش/۱۸۲۸م) بر دولت و مردم ایران تحمیل شد.^۱ اقتصاد ایران نیز که سنتی ولی خودکفا بود، در رقابت با اقتصاد سرمایه‌داری غرب و همچنین گنجاندن بندی در معاهده ترکمنچای (شرط دولت کامله الوداد و تعرفه ۵ درصد بر تجارت)^۲ به شدت آسیب دید و به تدریج به اقتصاد وابسته تبدیل شد.^۳ در واکنش سیاسی و اجتماعی به این شکست‌ها، اندیشه اصلاحات شکل گرفت. برخی چون عباس میرزا، نایب‌السلطنه راه چاره را در اصلاحات نظامی و صنعتی، ترجمه و تألیف کتاب و اعزام محصل به اروپا دیدند.^۴ نیروهای مذهبی نیز برای مقابله با تحمیل قراردادهای استعماری و مبارزه با

۱- محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۹۲.

۲- همان، ص ۲۹۳-۲۹۷.

۳- برای آگاهی بیشتر رک: راعی گلوچه، قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری، ص ۱۵-۷۴.

۴- حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه بورژوازی تمدن غرب، ص ۳۰۶-۳۰۹.

نفوذ بیگانگان به قواعد قرآنی و اسلامی، از جمله «قاعده نفی سبیل» و «حفظ اساس اسلام و اساس دین» متوسل شدند و مقدمات شکل‌گیری بیداری اسلامی را از طریق آگاه کردن مردم نسبت به علت‌های اصلی عقب‌ماندگی‌ها و شکست‌های سیاسی و نظامی، فراهم کردند.^۱ همزمان با این رخدادها، تحولات مهمی نیز در حوزه نهاد دینی و حوزه‌های علمیه رخ داد. این تحول پیروزی مجتهدان بر محدثان یا به عبارت دیگر، پیروزی اصولیون بر اخباریون بود. احیاگر مکتب اصولی و اجتهادی، ملا محمدباقر بهبهانی معروف به وحید بهبهانی بود.^۲

بدین ترتیب، عقیده اخباریون که مبتنی بر آرامش، انفعال و تسلیم بود، جای خود را به روحیه انقلابی و مبارزه داد.

عالمان دینی اصولی با انتشار رسائل گوناگون^۳، تألیف کتب، تربیت شاگردان سرشناس و طرق دیگر وارد مرحله عمل شدند. آنها در این عصر با پدیده شوم استعمار خارجی و استبداد داخلی مواجه بودند. برای مبارزه با استعمار خارجی از «قاعده نفی سبیل» و عناصر دینی «جهاد» و «فتوا» بهره گرفتند. بخش دیگری از مبارزه، به صورت فکری بود که در این زمینه به بررسی ریشه‌های عقب‌ماندگی پرداخته شد. بخش دیگر بیداری اسلامی در واکنش به دستاوردهای غیراسلامی و ضددینی تمدن غرب بود. این دستاوردها از طریق بازرگانان، محصلان اعزامی به اروپا و روشنفکران سکولار به ارمغان آورده می‌شد. سرانجام، بخشی از این بیداری نیز در واکنش به فتنه‌انگیزی استعمار از طریق فرقه‌سازی بود. فرقه‌های بایبه و بهائیت دو مورد جدی در آن دوره بودند.^۴

اصلاحات غربگرایانه برخی رجال قاجاری مثل میرزا حسین‌خان سپهسالار نیز اعتراضات و مخالفت‌های روحانیون و علما را برانگیخت. سپهسالار آشکارا تقلید از قوانین، اصول زندگی و مدنیت غربی را در پیش گرفته بود و ناصرالدین‌شاه را نیز از طریق ترتیب دادن سفرهای گوناگون به فرنگستان و مشاهده مظاهر تمدن مادی غرب به اجرای سیاست‌های خود ترغیب می‌کرد. همچنین، از دیگر اقدامات و تلاش‌های غربگرایانه سپهسالار، واگذاری امتیازات اقتصادی به دولت‌های استعماری، وابسته کردن مجتهدان محاکم شرع به دولت و دور کردن روحانیون از سیاست بود.

۱- ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۴، ص ۲۱۶.

۲- کرمانشاهی، مرآت‌الاحوال جهان‌نما، ص ۱۱۰.

۳- رحمانیان، تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجاریه، ص ۱۳-۳۴.

۴- نجفی و فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران؛ بررسی مؤلفه‌های دین-حاکمیت-مدنیت و تکوین دولت-ملت در گستره

هویت ملی ایران، ص ۱۹-۱۱۸.



آیت الله حاج ملاعلی کنی

در رأس مخالفان واگذاری امتیازات به بیگانگان، حاج ملاعلی کنی قرار داشت^۱ و نوک تیز حمله وی متوجه میرزا حسین خان سپهسالار بود که ناصرالدین شاه را به امضای قرارداد روتر ترغیب کرده بود. این قرارداد در صورت اجرا همچون کمپانی هندشرقی زمینه سلطه کامل استعمار انگلیس بر ایران را فراهم می آورد.^۲ مخالفت ملاعلی کنی و مبارزات وی، مهم ترین عامل مقاومت در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی در دوره قبل از نهضت تحریم تنباکو بود.^۳

برگی از تاریخ

آیت الله ملاعلی کنی ملقب به رئیس المجتهدین (۱۱۸۴ - ۱۲۶۷ ش) از علمای معروف و مبارز ایران در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود که با وجود رابطه خویش با دولتمردان عصر ناصری، از سیاست های دولت در سپردن امور به میرزا ملکم خان ارمنی و تأسیس فراموشخانه توسط وی انتقاد می کرد و آن را موجب ویرانی دین و دولت می دانست. آیت الله کنی از مخالفان جدی اصلاحات غرب گرایانه سپهسالار نیز بود و آن را موجب مناهی و محرمات و مخالفت شریعت و دین و برهم خوردن نظم اجتماعی و در نهایت وابستگی و تحت الحمایگی ایران می دانست. آیت الله کنی از مخالفان سرسخت قرارداد استعماری روتر بود و آن را زیانبار می دانست و با هوشمندی سیاسی تحسین برانگیزی مقاصد انگلیس را از تحمیل چنین قراردادهای استعماری افشا می کرد. وی نامه های مختلفی در این زمینه به ناصرالدین شاه نوشت. عاقبت در ۱۲ مهر ۱۲۶۷ ش در هشتاد و شش سالگی درگذشت و در جوار مرقد حضرت عبدالعظم حسینی (ع) به خاک سپرده شد.

۱- آبادیان، اندیشه دینی و جنبش صدرزی در ایران، ص ۴۹-۵۰.

۲- برای آگاهی بیشتر رک: ولایتی، مقدمه فکری نهضت مشروطیت، صص ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۸۹-۸۷.

۳- بهشتی سرشت، نقش علما در سیاست از مشروطه تا انقراض قاجار، ص ۷۷-۸۱.

واکنش علما و روحانیون به واگذاری امتیازات استعماری به بیگانگان

در عصر ناصری ده‌ها امتیاز اقتصادی به بیگانگان واگذار شد که سهم روسیه و انگلیس بیش از سایر کشورها بود. این امتیازات بدون هیچ راهبرد مشخص و هدفداری واگذار می‌شد و دارای (معدن، بازرگانی، صنایع، گمرکات و...) را که پشتوانه کشور و متعلق به نسل حاضر و آینده بود، به بهای ناچیزی با قراردادهای بلندمدت به بیگانگان واگذار می‌شد.^۱ واگذاری امتیازات نیز مخالفت نیروهای مذهبی را برانگیخت که نقطه اوج آن در نهضت تحریم تنباکو ظهور و بروز یافت.

مرجعیت شیعه و شبکه منسجم علمای دینی و سایر نیروهای مذهبی و مردم متدین ایران در جریان مبارزه با امتیازنامه رژی، منسجم‌تر شدند و جنبش بیداری اسلامی قوام بیشتری یافت. نهضت تنباکو نشان داد که بیداری اسلامی در ایران به بلوغ فکری و سیاسی رسیده است. لغو امتیازنامه در اثر این مخالفت‌ها نیز موفقیت حرکت بیدارگرانه روحانیون را ثابت کرد. اندیشه حاکم بر حرکت بیدارگرانه در این عصر، مشروط ساختن مشروعیت نسبی حکام به پاسداری از تمامیت ارضی و باورهای دینی مردم بود که پایه اندیشه شیعه را تشکیل می‌داد؛ اندیشه‌ای که قدرت سلاطین را نامشروع می‌دانست و بقای آن را صرفاً تا حد حفظ نظم تأیید می‌کرد. در جریان این مبارزات، نفوذ و اقتدار اندیشه مرجعیت شیعی خط بطلانی بر مطلق بودن قدرت پادشاه کشید.^۲

یکی از بیدارگران عمده عصر ناصری بدون تردید سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود. او نزد علمای تراز اول ایران و نجف به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و در جریان بیدارگری با علمای عصر خود هماهنگ و همفکر بود. نقطه کانونی اندیشه وی، اتحاد اسلام بود. او هم به اتحاد ملل اسلامی و هم به اتحاد دولت‌های اسلامی تأکید داشت. شعار وی «بازگشت به اسلام» و «بازگشت به قرآن» یا «احیای سنت سلف صالح» با هدف بازسازی هویت اسلامی مسلمانان بود. وی علت عقب‌ماندگی مسلمانان را تفرقه و تعصب و دور شدن از اسلام اصیل می‌دانست.^۳ حتی ارتباط او با سلاطین کشورهای اسلامی نیز به قصد احیای مجد و عظمت مسلمین و عالم اسلامی بود. البته این نگرش و سیاست نزدیکی به سلاطین جهان اسلام به خصوص سلطان عثمانی برای شکل‌دهی اتحاد ملل اسلامی از جمله اشتباه محاسباتی سید بود.

۱- فرهمند، «گذری بر امتیازات پی‌درپی انگلیس در عهد ناصری»، ص ۴۵۳-۴۶۱.

۲- ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۴، همان، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۳- الگار، دین و دولت در ایران، ص ۲۹۵.



سید جمال‌الدین اسدآبادی از پیشگامان بیداری اسلامی

سیدجمال، در کنار پیگیری اندیشه اتحاد اسلام در جهان اسلام، به جریان بیداری اسلامی در ایران توجه ویژه داشت. وی از جمله حامیان نهضت تنباکو بود و با میرزا حسن شیرازی رهبر وقت شیعیان در عراق از طریق مکاتبه در ارتباط بود. همچنین در برانگیختن روح اعتراض در سال‌های منتهی به نهضت مشروطیت نقش مؤثری داشت.^۱ گفته می‌شود قتل ناصرالدین‌شاه توسط میرزا رضا کرمانی در نتیجه تأثیر آموزه‌های وی بود.^۲

بیداری اسلامی در نهضت مشروطیت

در آستانه نهضت مشروطیت ایران، روحانیون و حوزه‌های علمیه شیعه به استحکام و انسجام سیاسی و مبارزاتی رسیده بود و این امر حاصل بیش از صد سال مبارزه، بیدارگری، تتبع و نظریه‌پردازی بود. نگارش رساله‌های متعدد از سوی روحانیون مکتب اصولی در زمینه نهضت مشروطیت و تبیین ماهیت و مبانی آن، تبلور عینی آن بود.^۳ از دستاوردهای مهم مبارزات علما و بیدارگری‌های آنها تصویب اصل تراز اول بود که بر مبنای آن می‌بایستی پنج نفر از مجتهدین بر مصوبات مجلس برای جلوگیری از مغایرت آنها با احکام اسلامی، نظارت کنند.

برگی از تاریخ

آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری (۱۹ دی ۱۲۲۶ ش نجف - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۳ ش جهرم) خانواده آیت‌الله عبدالحسین لاری از علما و روحانیون دزفولی‌الاصول ساکن نجف اشرف بودند. آیت‌الله لاری، فقیه و سیاستمدار و از شاگردان میرزای شیرازی بود که در ۲۲ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد و یکی از بزرگ‌ترین استادان حوزه علمیه نجف شد. بنا به درخواست مردم

۱- ولایتی، بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۴، ص ۲۲۷.

۲- وانفی، سیدجمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۲۵۵.

۳- برای آگاهی بیشتر رک: رسائل مشروطیت، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، صفحات مختلف.

لارستان و موافقت میرزای شیرازی در سال ۱۲۷۰ش به لار آمد و به تدریس و انجام وظایف دینی مشغول شد. وی مدرسه و حوزه علمیه‌ای تأسیس کرد که توانست شاگردان نامداری را برای گسترش بیداری اسلامی تربیت کند. وی همچنین گروه‌هایی مسلح تربیت کرد که بعدها به تفنگچیان سید لاری و چریک‌های فارس مشهور شدند. وی فرمان اخراج مبلغان مسیحی و جمع‌آوری کتب ضاله را از آن منطقه صادر کرد. این اقدام وی خشم انگلیسی‌ها را برانگیخت. وی پس از این ماجرا طی فتوایی وجوب انحلال رژیم سلطنتی قاجار را صادر کرد. آیت‌الله لاری موفق شد یک حکومت اسلامی در لارستان تأسیس کند. پس از چندی بندرعباس، بندرلنگه، بوشهر، استان کرمان و فارس زیر نظر حکومت اسلامی قرار گرفت. او در گام بعدی استفاده از کالاهای خارجی – به خصوص انگلیسی و روسی – را از آنجا که موجب تقویت دشمنان اسلام و افزایش قدرت استعمارگران می‌شد و وابستگی اقتصادی فراهم می‌کرد، تحریم کرد. وی از علمای مبارز دوره مشروطه و الگوی مورد نظر وی مشروطه مشروعه بود. از ایشان ۴۰ اثر بر جا مانده است که یکی از آنها «قانون مشروطه مشروعه» است.

بیداری اسلامی در دوره پهلوی اول

در دوره پهلوی اول حرکت‌های بیدارگرانه علما با واکنش به طرح فریب کارانه جمهوری خواهی رضاخان آغاز شد. در رأس مخالفان، شهید سیدحسن مدرس و آیت‌الله شیخ محمد خالصی‌زاده بودند. علت مخالفت آنها با جمهوری رضاخانی این بود که رضاخان در این زمان نخست‌وزیر بود و درصدد تقلید از جمهوری تازه تأسیس غیردینی آتاتورک در ترکیه بود و شخصیت و عملکرد رضاخان نیز هیچ نسبتی با جمهوری خواهی واقعی نداشت. آیت‌الله مدرس در مورد علت مخالفتش گفت: «اگر واقعاً نامزد و کاندیدای جمهوری خواهی فردی آزادی‌خواه و ملی بود، حتماً با او موافقت می‌کردم و از هیچ نوع کمک و مساعدت با او دریغ نمی‌کردم».^۱ در واقع مدرس مخالف جمهوری رضاخانی بود نه جمهوری واقعی. رضاخان نیز با مشاهده مخالفت‌ها از جمهوری خواهی صرف‌نظر کرد.^۲ گذشت زمان هم دروغ بودن ادعای رضاخان را ثابت کرد. در مجموع، اقدام رضاخان به «غوغای جمهوری خواهی» تعبیر شد.^۳

۱- مکی، مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۸۶۵-۸۶۶.

۲- هدایت (مخبر السلطنه)، خاطرات و خطرات، ص ۳۶۷.

۳- برای آگاهی بیشتر در مورد جمهوری خواهی رضاخان رک: کریمی، جمهوری خواهی ایرانی؛ رویکردی تاریخی با مطالعه

نظریه جمهوری اسلامی، ص ۱۰۵-۱۳۸.



مدرسه فیضیه قم

با توجه به فضای سرکوب و خفقان در دوره رضاشاه، جریان بیدارگری اسلامی مسیر خود را طور دیگری پیمود. تأسیس حوزه علمیة قم به وسیله آیت‌الله عبدالکریم حائری از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ معاصر ایران است؛ زیرا با این اقدام مقدمات انتقال مرکزیت مرجعیت شیعه از حوزه علمیة نجف اشرف به حوزه علمیة قم

فراهم شد. همچنین با توجه به جو دیکتاتوری و سرکوب رضاخانی حاکم بر جامعه، آیت‌الله حائری با اجتناب از هرگونه مداخله در سیاست و پرهیز از درگیری با حکومت، پایه‌های حوزه علمیة قم را استوار کرد. این حوزه علمیة، در دهه‌های بعد به مرکز مهم و تأثیرگذار در عرصه تحول دین و سیاست در کل جهان اسلام تبدیل گردید.^۱ آیت‌الله حائری توجه جدی به تقویت فرهنگ دینی داشت.^۲

البته اقدامات فرهنگی و اجتماعی ضددینی در دوره رضاشاه بسیار بود و نیروهای مذهبی با هدایت علما در مقابل آنها مقاومت‌هایی نیز نشان می‌دادند که با سرکوب شدید مواجه می‌شد. از جمله، مخالفت با کشف حجاب زنان و یکسان‌سازی شکل لباس مردان در بین سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ش بود که نقطه اوج آن قیام مسجد گوهرشاد و سخنرانی شیخ محمدتقی بهلول و سرکوب آن توسط نیروهای دولتی بود. در جریان سرکوب این قیام افراد زیادی کشته و مجروح، محبوس، تبعید و یا از کشور فراری شدند.^۳ بخش دیگری از فعالیت‌های بیدارگرانه علمای عصر رضاشاه، آگاهی‌بخشی و مبارزه با گسترش کمونیسم در جامعه بود. این فعالیت‌ها در سال‌های پس از استعفا و تبعید رضاشاه تشدید شد.

۱- ولایتی، حرفی از هزاران، ص ۲۹۹.

۲- ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۴، ص ۲۳۷-۲۳۸.

۳- برای آگاهی بیشتر در مورد قیام مسجد گوهرشاد و پیامدهای آن رک: سازمان اسناد ملی ایران، خشونت و فرهنگ: اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۲۲-۱۳۱۳)، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱؛ راثین، سیما، واقعه گوهرشاد به روایت دیگر، تهران، نشر راثین، ۱۳۷۹.

بیداری اسلامی در دوره پهلوی دوم

در سال‌های ۱۳۲۰ش به بعد دو رکن دیگر به ارکان فعالیت جنبش بیداری اسلامی افزوده شد که یکی از آنها مطبوعات دینی و دیگری شاخه اسلامی جنبش دانشجویی بود. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۰ش تأسیس شد. از نشریات مذهبی این دوره نیز می‌توان به نور دانش، آیین اسلام، پرچم اسلام، دنیای اسلام، وظیفه، مسلمین، محقق، تعلیمات اسلامی، ستاره اسلام، ندای حق، حیات مسلمین و تاریخ اسلام اشاره کرد.^۱ عمده‌ترین هدف مطبوعات دینی و فعالیت‌های جنبش اسلامی دانشجویی و روشنفکری در این سال‌ها مقابله با افکار و جریان‌های غیراسلامی، به‌ویژه کمونیسم بود. نبرد فکری اسلام با کمونیسم به منزله یکی از مؤلفه‌های بیداری اسلامی در ایران تا چهار دهه بعد ادامه یافت. مهم‌ترین نمود عینی دغدغه روشنفکری دینی در آن سال‌ها نیز تلاش برای ارائه چهره‌ای تازه و پویا از اسلام بود که سازگار با مقتضیات زمان و علوم جدید و پاسخگوی مشکلات و نیازهای فکری نسل جوان و تحصیل کرده باشد.

ورود آیت‌الله العظمی بروجردی به عرصه مرجعیت از سال ۱۳۲۳ش. سرآغاز تحولی عظیم



آیت‌الله العظمی سیدمحمدحسین بروجردی
مرجع تقلید شیعیان

در مرجعیت شیعه شد. پیش از این، پیشوای حوزه نجف، مرجع اعلای شیعه به شمار می‌رفت، ولی آیت‌الله بروجردی در پی زمینه‌سازی مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری این پیشوایی را به صورت قطعی به حوزه علمیه قم منتقل کرد.^۲ در دوره زعامت و مرجعیت تامه وی گرچه رویه این بزرگوار ظاهراً عدم مداخله در امور سیاسی بود، با این حال حوزه علمیه قم از جریان بیداری اسلامی بازماند و همچون دانشگاه، هم بر آن تأثیر گذاشت و هم از آن تأثیر پذیرفت. مهم‌ترین تحولات اندیشه بیداری اسلامی در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ را که بسترهای لازم برای شکل‌گیری نهضت امام خمینی در اوایل دهه ۱۳۴۰ فراهم آورد، به

۱- جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰)، ص ۷۴-۹۱.

۲- ولایتی، بیداری اسلامی، ص ۷۷-۷۸.

شرح زیر بوده است :

- ۱- توسعه ادبیات مذهبی؛^۱
- ۲- ارتقا و تثبیت بیش از پیش جایگاه حوزه علمی قم؛
- ۳- عدم مداخله آگاهانه و عالمانه آیت الله بروجردی در روزمرگی های سیاسی؛
- ۴- ظهور مراجع تقلید و شخصیت های مذهبی عمل گرا مثل آیت الله کاشانی و سیدمجتبی نواب صفوی به عنوان پرچمداران مبارزه با دیکتاتوری و استعمار؛
- ۵- پیوند دانشگاه و حوزه های علمیه از طریق جلسات تفسیر قرآن و سخنرانی از سوی علما و دانشگاهیان اسلام گرا مثل آیت الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان؛
- ۶- تحول در روابط تشیع و تسنن از طریق تقریب مذاهب اسلامی و گشودن باب مراودات بین حوزه علمی قم با دانشگاه الازهر با حمایت و هدایت آیت الله بروجردی و به رسمیت شناختن فقه جعفری از سوی علمای الازهر؛^۲
- ۷- تلاش برای ترویج تفکر دینی و هویت اسلامی از طریق پیراستن دین اسلام از باورهای غلط و معرفی اسلام به عنوان دینی سازگار با علم، عدالت اجتماعی، برابری، آزادی و غیره.

بیشتر بدانید

جامعه تعلیمات اسلامی

این مؤسسه مذهبی - فرهنگی توسط حاج شیخ عباسعلی اسلامی در سال ۱۳۲۲ش تأسیس شد و رسالت اصلی آن تأسیس مدارس مذهبی در سراسر کشور با هدف تربیت دانش آموزان به شیوه مذهبی و آشنا کردن آنها به آموزه های دینی بود. جامعه تعلیمات اسلامی و شبکه مدارس دخترانه و پسرانه وابسته به آن در مقاطع مختلف تحصیلی و نیز کتب و نشریاتی که منتشر می کرد، در کنار برنامه های دینی و مذهبی که در مدارس اجرا می شد، در ایجاد روشنگری دینی و بیداری اسلامی نقش زیادی داشت؛ به طوری که بسیاری از محصلان و فارغ التحصیلان آن از مبارزان سال های بعد شدند.

۱- در فاصله سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ بالغ بر ۱۳۰ عنوان کتاب از سوی علما و فضیای حوزه علمی قم منتشر شد که غالباً در معرفی اسلام و ابعاد گوناگون آن به زبان ساده بود. همچنین، انتشار نشریه «درس هایی از مکتب اسلام» (بعداً این نشریه به اختصار مکتب اسلام نامیده شد) با حمایت مادی و معنوی آیت الله بروجردی، که از زمستان ۱۳۳۷ توسط عده ای از فضیای حوزه علمی قم منتشر شد، تحول مهمی بود. در اواخر عمر حکومت پهلوی شمارگان آن به ۸۰ هزار نسخه رسیده بود.

۲- ولایتی، حرفی از هزاران، ص ۳۰۱.



حضرت امام خمینی رحمه الله علیه
رهبر نهضت اسلامی ایران



در دوران پس از رحلت آیت الله بروجردی و آغاز نهضت امام خمینی (ره)، بیداری اسلامی در ایران روند متفاوتی نسبت به گذشته پیمود که ویژگی آن به شرح زیر بود:

– ورود جدی اسلام سیاسی به روند بیداری و عرصه مبارزه با دیکتاتوری و استعمار خارجی با رهبری امام خمینی؛

– توسعه دامنه مبارزه فکری با سیاست‌های فرهنگی رژیم پهلوی؛

– پیوند بیش از پیش حوزویان و دانشگاهیان؛

– مخالفت صریح و عملی با اقدامات

دین‌ستیزانه حکومت پهلوی؛

– شکل‌گیری جریانات معتقد به مبارزه

مسلحانه با رژیم پهلوی؛

– جهانی شدن ابعاد مبارزه و بیدارگری پس

از تبعید امام خمینی به عراق؛

– طرح اندیشه حکومت اسلامی بر پایه نظریه

ولایت فقیه از سوی امام خمینی (ره) (که در دوران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نظریه اساسی نظام

جمهوری اسلامی تبدیل شد)؛

– ورود جدی و عملی شاگردان امام خمینی

به عرصه مبارزه فکری و سیاسی با رژیم پهلوی و

تفکرات مارکسیستی؛

– بازسازی کارکرد مسجد و منبر و تبدیل

آنها به کانون‌های بیداری اسلامی با تأسیس کتابخانه

و برگزاری جلسات سخنرانی و تفسیر در اکثر

مساجد؛

– تحول در نقش مرجعیت و ورود آشکار و مبارزه‌جویانه مرجعیت شیعه به متن سیاست‌های جاری کشور و به چالش کشیدن استبداد داخلی و وابستگی رژیم پهلوی و استعمار خارجی به خصوص آمریکا در سطح بین‌المللی و اسرائیل و ارتجاع در سطح منطقه؛

– تبدیل اندیشه بیداری و اصلاح‌گری به اندیشه انقلابی در ایران و متأثر از آن در جهان اسلام؛

– قرار گرفتن آثار و اندیشه‌های نوین افرادی چون علامه طباطبایی، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، علامه محمدتقی جعفری، جلال آل‌احمد، مهندس بازرگان، دکتر شریعتی و افراد دیگر در خدمت تقویت جریان بیداری اسلامی.

بیشتر بدانید

کانون نشر حقایق اسلامی

این مؤسسه اسلامی توسط محمدتقی شریعتی (پدر دکتر علی شریعتی) در سال ۱۳۲۳ش در مشهد تأسیس شد. محمدتقی شریعتی، آموزه‌های پویای دین اسلام را برای دانش‌آموزان، دانشجویان، بازاریان و حتی روحانیون در این کانون بازخوانی و تبیین می‌کرد و از این طریق توانست سد محکمی در برابر تبلیغات کمونیستی حزب توده ایجاد کند. از فعالان مرتبط با کانون نشر حقایق اسلامی افراد برجسته‌ای در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در رأس فعالیت‌های سیاسی علیه حکومت پهلوی قرار گرفتند.

یکی از علل تبعید امام خمینی به ترکیه، عراق و در نهایت فرانسه، خاموش کردن جنبش بیداری اسلامی از طریق قطع ارتباط رهبر آن با پیروانش بود. علت انتخاب نجف اشرف نیز به دلیل غیرسیاسی بودن حوزه علمیه آن شهر بود. در این مرحله نیز نهضت اسلامی و جریان بیداری اسلامی حیات تازه و گسترده بیشتری یافت که جهانی شدن نهضت امام خمینی (ره) و ارتباط بیشتر با جهان اسلام از طریق کنگره عظیم سالانه حج و ارتباط با جنبش‌های اسلامی از طریق اعزام نماینده نزد رهبران آنها بود.^۱

۱- برای آگاهی بیشتر در این زمینه رک: مبارزات امام خمینی به روایت اسناد (در دوران تبعید در نجف)، به کوشش غلامعلی پاشازاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸؛ مبارزات امام خمینی از هجرت به فرانسه تا بازگشت به ایران به روایت اسناد، به کوشش سجاد راعی گلوجه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان مسلمان ایرانی در اروپا و آمریکا

یکی از عوامل گسترش اندیشه‌های بیدارگرانه امام خمینی (ره) در اروپا و آمریکا، دانشجویان مسلمان ایرانی بودند که با رهبر نهضت در نجف و کانون‌های مبارزه اسلامی در ایران در ارتباط بودند. این دانشجویان که بخشی از شبکه نهضت امام خمینی را تشکیل می‌دادند، به مطبوعات و رسانه‌های گروهی بیشتر و نسبتاً آزادتری در مقایسه با ایران و کشورهای اسلامی دسترسی داشتند و با استفاده از فضای مناسب سیاسی - اجتماعی و رسانه‌ای جهان غرب به فعالیت می‌پرداختند. دانشجویان مسلمان ایرانی در اروپا نشریه‌ای به نام «اسلام مکتب مبارزه» را نیز از سال ۱۳۴۵ به بعد منتشر می‌کردند. آنها همچنین نشست‌های دوره‌ای برای انسجام و هماهنگی برگزار می‌کردند. آیت‌الله بهشتی در پنجمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی، هدف اساسی و آرمانی مبارزه را به وجود آوردن جامعه نمونه اسلامی عنوان کرد. این انجمن‌ها تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ به فعالیت خود با گستره و ابعاد بیشتری ادامه دادند و در دوره اقامت چهارماهه امام خمینی در فرانسه بیشترین و مؤثرترین فعالیت‌ها را انجام دادند.

تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در درون خود حامل پیام به همه مردم جهان، به خصوص مسلمانان بود. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روح تازه‌ای به اسلام دمیده شد. مسلمانان احساس هويت و شخصیت کردند و اعتماد به نفس آنها برای مبارزه جهت تأسیس حکومت اسلامی افزایش یافت. به اختصار تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را بر جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

- ۱- تأثیر در هدایت و رهبری و تبدیل رهبری معنوی و مشی سیاسی امام خمینی به الگویی برای حرکت‌ها و خیزش‌های اسلامی؛
- ۲- احیای کاربردهای دین در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی؛
- ۳- تغییر در مفاهیم رایج فلسفه سیاسی با ایجاد گفتمان دین‌محور و نظریه‌پردازی حول محور دین و به چالش کشیدن مفاهیم رایج در فلسفه سیاسی غرب و شرق؛
- ۴- تبدیل ایران به ام‌القرای جهان اسلام؛
- ۵- تبیین راهکارهای عبور از فرهنگ غرب و احیای فرهنگ اسلامی توسط امام خمینی و

رهبران جمهوری اسلامی؛

۶- ارائه الگوی جهانی از سوی امام خمینی برای نجات همه ملت‌ها و اثبات کارآیی دین در عرصه جهانی؛

۷- ارائه راهبرد «نه شرقی، نه غربی» در عرصه سیاست خارجی و نفی سلطه سیاسی استکبار شرق و غرب؛

۸- حمایت از ملل محروم، مستضعف و تحت ستم در سرتاسر جهان؛

۹- الهام گرفتن ملت‌های مسلمان از محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

۱۰- ارائه مدل عملی مردم‌سالاری دینی.^۱

بسترهایی که موجب شد جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام از انقلاب اسلامی ایران تأثیر بپذیرد، وجود مشترکات و عناصر تقویت‌کننده همگرایی از جمله ایده واحد، دشمن مشترک، آرمان مشترک، وحدت‌گرایی و مردم‌مداری بوده است.^۲

بیشتر بدانید

نامه امام خمینی (ره) به گورباچف (۱۱ دی ۱۳۶۷ / اول ژانویه ۱۹۸۹)

نامه امام خمینی به رهبر شوروی، در حقیقت نامه‌ای بود به تمام کشورهایی که زیر سایه اردوگاه کمونیسم جمع شده بودند. نامه در شرایطی منتشر شد که هنوز ایدئولوژی کمونیسم بر این کشور به‌عنوان یک مجموعه واحد حاکم بود. همچنین، هنوز جنگ سرد تمام نشده بود و دیوار برلین همچنان به‌عنوان نماد جدایی اردوگاه شرق و غرب فرو نریخته بود.

بلافاصله پس از انتشار نامه امام، موجی از اظهارات و تحلیل‌های مثبت و منفی پیرامون آن شکل گرفت؛ اما متأسفانه گورباچف و آن دسته از سیاسیونی که می‌بایست متوجه منظور امام شوند، نشدند. کما اینکه هشت هفته بعد، هنگامی که ادوارد شوارز نادزه، وزیر خارجه وقت شوروی در روز ۷ اسفند ۱۳۶۷ پاسخ رهبر شوروی را در حسینیه جماران به اطلاع امام خمینی رساند، روشن شد که حاکمان شوروی بیش از آنکه درصدد تبیین و تحلیل محتوای نامه امام برآمده باشند، سعی کرده‌اند تا اقدامات و اعمال خود را توجیه کنند. به همین علت، حضرت امام (ره) پس از شنیدن سخنان شوارز نادزه به او پاسخ دادند: «ان شاء الله سلامت باشند، ولی به ایشان بگویند که من می‌خواستم جلوی شما یک فضای بزرگ‌تر باز کنم. من می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که

۱- منیری، انقلاب اسلامی و احیای کارکردهای دین در عرصه جهانی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی، ص ۱۷-۵۰.

۲- شعبانی، «پیروزی انقلاب اسلامی ایران طیعة بیداری اسلامی»، ص ۳۹۸-۴۰۰؛ مطلبی جونقانی، «مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، ص ۳۰۳-۳۰۷.

دنیای جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود. امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند». ده سال بعد، یعنی در سال ۱۳۷۸ و در سالگرد رحلت امام خمینی (ره) گورباچف طی مصاحبه‌ای با خبرنگار واحد مرکزی خبر در مسکو از اینکه به هشدارهای آن روز بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بی‌اعتنایی کرده بود، اظهار تأسف کرد. گورباچف گفت: «من از مطالعه این پیام استنباط کردم که او کسی است که برای جهان نگران است و مایل است من انقلاب اسلامی را بیشتر بشناسم و درک کنم».

پرسش‌های نمونه

- ۱- زمینه‌های شکل‌گیری بیداری اسلامی را در ایران دوره قاجار به اختصار بیان کنید.
- ۲- روند بیداری اسلامی در دوره پهلوی اول چگونه بوده است؟
- ۳- از تحولات مربوط به بیداری اسلامی در عصر مرجعیت آیت‌الله بروجردی به سه مورد اشاره کنید.
- ۴- تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی را بر جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام توضیح دهید.

اندیشه و جست و جو

به دو نمونه از تأثیرات پیروزی انقلاب اسلامی بر جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام اشاره کنید.

امواج نوین بیداری اسلامی در جهان اسلام

در این درس با علل و زمینه‌های تحولات بیداری اسلامی در کشورهای مختلف اسلامی و پیامدهای آن در سال‌های اخیر و تأثیر انقلاب اسلامی ایران در این زمینه آشنا می‌شوید.

شکل‌گیری امواج نوین بیداری اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تعبیر بیداری، آن را «به ستوه‌آمدگی بشریت»^۱ و «بازگشت به هویت اسلامی و تمسک به اسلام»^۲ بیان می‌کنند. از نگاه ماهیت‌شناسانه نیز، بیداری پدید آمده را بیداری اسلامی می‌دانند و عنوان‌های دیگری مانند بیداری انسانی و بهار عربی را رد می‌کنند. ارائه‌الگو برای حرکت‌های آزادی‌خواهانه ضداستبدادی و ضداستعماری در بیداری اسلامی از جمله اهداف آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری بوده است. ایشان در نخستین روزهای سال ۱۳۹۰ در این زمینه گفتند که «آنچه من به‌طور قطع عرض می‌کنم، این است حرکتی که در منطقه ایجاد شده، حرکت ملت‌هاست، حرکت امت اسلامی است، حرکت با شعار اسلام است، حرکت به سمت اهداف اسلامی است و نشان‌دهنده بیداری عمومی ملت‌هاست». ایشان ظهور بیداری اسلامی در جهان اسلام را حاصل انقلاب اسلامی ایران و پیروزی ملت ایران می‌دانند. امام خمینی بیداری اسلامی را از نظر به مرحله عمل آورد و وارد زندگی سیاسی مردم کرد و آن را از یک خرده‌گفتن به گفتن مسلط در عرصه سیاسی جوامع اسلامی تبدیل کرد. پس از ایشان، آیت‌الله خامنه‌ای ادامه‌دهنده راه امام خمینی در تبیین گفتن بیداری اسلامی گردیدند. رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی را مظهر بیداری اسلامی می‌دانند.^۳ ویژگی دیگر اندیشه بیداری اسلامی در منظر آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر انطباق آن با اندیشه

۱- پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، www.khamenei.ir، بیانات، ۲ اسفند ۱۳۸۹.

۲- همان، بیانات، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۲.

۳- همان، بیانات، ۱۱ شهریور ۱۳۸۴.

بیداری اسلامی امام خمینی، پیوستگی آن در خط اعتدال آرمان‌گرایی می‌باشد.^۱ ایشان بیداری را حتی فراتر از اسلام و دنیای اسلام می‌دانند و معتقدند که این جنبش تا قلب اروپا هم پیش خواهد رفت. به همین دلیل ایشان در صدد بازتعریف واژه بیداری نیز برآمده‌اند و از واژگان و عباراتی چون «بیداری ملت‌ها»، «بیداری مردم»، «بیداری ملت‌های مظلوم»، «بیداری انقلابی»، «بیداری معنوی»، «بیداری ایمان»، «بیداری جهانی»^۲ و... نام برده‌اند. ایشان همچنین با استناد به آیات گوناگون قرآن، بیداری اسلامی را تحقق وعده نصرت الهی می‌دانند و آن را نتیجه مقاومت آگاهانه امت اسلامی تلقی می‌کنند.^۳

برگی از تاریخ

سید عارف حسین حسینی (۱۳۲۶-۱۳۶۷ ش)

رهبر انقلابی شیعیان پاکستان و رهبر نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان؛ وی از علما، دانشمندان و رهبران بیداری اسلامی پاکستان و شبه قاره هند است. او با تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف و حضور در کلاس‌های درس امام خمینی، در شمار یاران و پیروان امام خمینی درآمد. آشنایی وی با امام خمینی سرآغاز دگرگونی فکری و سیاسی او بود. وی در سال ۱۳۵۲ از عراق اخراج شد و به پاکستان بازگشت. در سال ۱۳۵۳ برای ادامه تحصیل راهی ایران شد و رهسپار حوزه علمیه قم گردید. وی به دلیل فعالیت‌های سیاسی در جهت نهضت امام خمینی توسط ساواک دستگیر و از ایران اخراج شد. در سال ۱۳۶۳ وی به طور رسمی از سوی امام خمینی به عنوان نماینده ایشان در پاکستان



شهید عارف حسینی در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

انتخاب شد. وی زبان‌گویای انقلاب اسلامی ایران در پاکستان بود. در بهمن ۱۳۶۳ به عنوان رهبر «نهضت اجرای فقه جعفری» پاکستان انتخاب شد. در نهایت فعالیت‌های فکری و سیاسی وی باعث شد که دشمنان اسلام و تشیع وی را در مرداد ۱۳۶۷ به شهادت برسانند.

۱- صوفی نیارکی، «نظریه بیداری اسلامی، خط اعتدال آرمان‌گرا در حرکت‌های اسلامی در اندیشه مقام رهبری»،

ص ۱۸۴-۱۸۵).

۲- پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، www.khamenei.ir، بیانات، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰؛ همان،

۲۲ شهریور ۱۳۶۸؛ همان، ۲ فروردین ۱۳۶۹؛ همان، ۱۹ بهمن ۱۳۶۸، همان، ۱۴ تیر ۱۳۶۸؛ همان ۱۷ بهمن ۱۳۷۲؛ همان، ۱۲ آبان ۱۳۷۷.

۳- معتمد رضایی، «بررسی وعده قرآنی نصرت الهی در بیداری اسلامی از منظر مقام رهبری»، ص ۶۱-۷۰.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای امواج بیداری اسلامی را از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون به سه دوره تقسیم می‌کند:

- ۱- موج اول؛ پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛
- ۲- موج دوم؛ پس از فروپاشی کمونیسم؛
- ۳- موج سوم؛ انقلاب‌های اخیر در کشورهای اسلامی.^۱

بیشتر بدانید

نقشه راه بیداری اسلامی در حال و آینده از نظر آیت‌الله خامنه‌ای

- ۱- توکل به خداوند و باور قلبی به وعده‌های نصرت الهی؛
- ۲- به کارگیری خرد، عزم و شجاعت؛
- ۳- ثبات قدم و استقامت؛
- ۴- بازخوانی دائمی اصول و شعارهای انقلاب و تطبیق آنها با اصول مسلم اسلامی؛
- ۵- پرهیز از اختلافات مذهبی، قومی، نژادی، قبیله‌ای و مرزی؛
- ۶- نظام‌سازی بر اساس الگوی اسلامی؛
- ۷- اعتماد به نسل جوان و تقویت روح اعتماد به نفس؛
- ۸- حضور و نقش مردم در مدیریت کشور؛
- ۹- انتخاب نظام مردم‌سالاری اسلامی؛
- ۱۰- تفکیک اسلام‌گرایی از تحجر و قشری‌گری و تعصب‌های جاهلانه و افراطی.

الف) بیداری اسلامی در تونس: تونس کشوری اسلامی در شمال آفریقا است که در کنار

دریای مدیترانه واقع شده است و به دلیل موقعیت جغرافیایی، سیاسی، تجاری و سوق‌الجیشی، نقش مهمی را در سیاست کلی آفریقا و کشورهای عربی برعهده دارد و به همین علت، از دیرباز مورد طمع قدرت‌های استعماری بوده است. به گونه‌ای که ژول فری، نخست وزیر اسبق فرانسه از تونس به عنوان «کلید خانه فرانسویان» یاد می‌کند.^۲ فعالیت‌های سیاسی در تونس به دلایل مختلف، از جمله نزدیکی جغرافیایی با اروپا، آشنایی اکثریت مردم به زبان فرانسه، گستردگی سیستم آموزش، وجود مراکز متعدد آموزش عالی، رفت و آمد میلیون‌ها جهانگرد خارجی به خصوص اروپاییان، گسترش

۱- ابوظالبی، «سه موج بیداری اسلامی و توجه به اسلام پس از انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، ص ۳۶۵-۳۸۵.

۲- امیرشاهی، لیبی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۷، ص ۱۶-۱۷.



تظاهرات مردم تونس علیه دیکتاتور و ابسته به غرب

فعالیت مطبوعات و به طور کلی گسترش آگاهی‌های عمومی مردم، از سایر کشورهای منطقه و جهان عرب بیشتر است.

کوشش مردم تونس برای کسب استقلال و آزادی پس از پایان جنگ جهانی دوم افزایش یافت و در سال ۱۳۳۳ش/۱۹۵۴م دولت فرانسه به ناچار استقلال آن را به رسمیت شناخت و در سال ۱۳۳۵ش/۱۹۵۶م به عنوان کشوری مستقل شناخته شد، اما به جای روی کار آمدن حکومت مردمی، نظام دیکتاتوری در پوشش حکومت جمهوری بر آن کشور حاکم شد؛ به طوری که تا سرنگونی حکومت زین‌العابدین بن‌علی در این کشور تنها دو رئیس‌جمهور آن هم از طریق انتخابات فرمایشی زمام امور را در دست گرفتند. اولی حبیب بورقیبه و دومی زین‌العابدین بن‌علی بود. بن‌علی در سال ۱۳۶۶ش/۱۹۸۷م از طریق کودتای نظامی به قدرت رسید و در سال ۱۳۷۳ش/۱۹۹۴م تنها کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری بود و با ۹۹/۹۱ درصد آرا انتخاب شد و به مدت ۲۳ سال مستبدانه بر تونس حکومت کرد.

نیروهای اسلام‌گرای تونس نیز به رهبری شیخ راشد الغنوشی تشکل و انسجام یافتند. وی با انتشار ماهنامه «المعرفه» نخستین هسته‌های حرکت اسلامی تونس را به وجود آورد که به تشکیل حرکت اتجاه اسلامی تونس (حزب النهضه کنونی) منجر شد. با بسترهای مناسبی که حزب النهضه ایجاد کرده بود، خودسوزی محمد بو عزیز در اعتراض به حکومت دیکتاتوری بن‌علی، آتش در انبار باروت خشم مردم تونس افکند که به سقوط دیکتاتوری بن‌علی و فرار او به عربستان سعودی انجامید.

شیخ راشد الغنوشی (تولد: ۱۰ شهریور ۱۳۲۰/۳۱ اوت ۱۹۴۱ تونس) رهبر حزب اسلام‌گرای «النهضة» تونس

غنوشی از اوایل دهه هفتاد میلادی به فعالیت سیاسی اسلامی پرداخت. الغنوشی ابتدا جمعیت پاسدار قرآن کریم را تأسیس کرد. به دلیل فعالیت‌های سیاسی چندین بار در زمان حکومت «حبيب بورقیه» و «زین‌العابدین بن علی» به زندان رفت و یا تبعید شد. وی بخش عمده‌ای از دوران فعالیت سیاسی خود را با «حرکت‌الإنجاء الاسلامی» پشت سر نهاد و در سال ۱۳۶۰ش/۱۹۸۱م به ریاست آن رسید. الغنوشی همان سال به ۱۱ سال زندان محکوم شد. اما با روی کار آمدن زین‌العابدین بن علی در سال ۱۳۶۶ش/۱۹۸۷م از زندان آزاد شد. وی در سال ۱۳۷۱ش/۱۹۹۲م دوباره دستگیر شد و به زندان افتاد و سپس به الجزایر و سودان و سرانجام به انگلیس (لندن) تبعید شد. در پی سرنگونی حکومت استبدادی «بن علی» بار دیگر به تونس بازگشته و رهبری مسلمانان این کشور را برعهده گرفت.

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تفکر غنوشی اعتقاد وی به جامعیت شریعت اسلامی برای اداره زندگی سیاسی و اجتماعی انسان مسلمان در چارچوب نظامی هدفمند است. وی به شدت از انقلاب اسلامی ایران و نهضت و شخصیت امام خمینی (ره) تأثیر پذیرفته است. به عقیده وی اسلام می‌تواند به کمک اندیشه‌های سیاسی خود هم نظام دموکراسی غربی را در برگرد و نقاط مثبت آن را برای بشر و مسلمانان حفظ کند و هم از رهگذر اصل اسلامی «شورا» یعنی مشارکت امت در حکومت و نظارت مردم بر حاکمان، می‌تواند این تجربه بشری را پربارتر کند. دغدغه‌های اصلی شخص راشد الغنوشی را می‌توان در اعلامیه تأسیس حرکت اتجاه اسلامی تونس جست‌وجو کرد که یکی از مسئولیت‌های این حرکت «مشارکت در احیای دوباره موجودیت کیان سیاسی و فرهنگی اسلام و یکی از ابزارهای تحقق این مهم، ترسیم چهره‌ای از نظام حکومت اسلامی است».

او آثار گوناگونی دارد که از معروف‌ترین آنها می‌توان به «حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام»، «ما و غرب» اشاره کرد.

ب) **بیداری اسلامی در مصر:** مصر در شمال قاره آفریقا و در کنار دریای مدیترانه و دریای سرخ قرار دارد. موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی این کشور به‌ویژه وجود کانال سوئز در آن و همچنین همجواری با فلسطین اشغالی و کشورهای لیبی و سودان، باعث شده است که مصر در جغرافیای سیاسی منطقه نقش حساس و مؤثری را ایفا کند.

۱- وزارت امور خارجه، احزاب سیاسی مصر، تهران، دفتر برنامه‌ریزی و خدمات آموزشی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۱.

جامعه مصری از قدیم الایام ساختار مذهبی داشته و خاستگاه بسیاری از پیامبران الهی بوده است. از زمان ظهور اسلام تا دوران معاصر این کشور فارغ از کشاکش‌های سیاسی و مداخلات استعماری، از نظر اندیشه سیاسی و دینی رشد والایی داشته است و علما و متفکران بسیاری را در خود پرورش داده است.

در سال ۱۲۶۰ش/۱۸۸۱م انگلیسی‌ها، مصر را اشغال کردند. از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۱ش/۱۹۱۸-۱۹۲۲م تحت تأثیر تحولات ناشی از جنگ جهانی اول، کوشش مصری‌ها برای رهایی از سلطه استعماری انگلستان بیشتر شد و در اسفند ۱۳۲۰ش/فوریه ۱۹۲۲م، انگلیس به وضعیت تحت‌الحمایگی این کشور پایان داد و در این کشور نظام سلطنتی مشروطه اعلام کرد. سرهنگ جمال عبدالناصر در ۳۱ تیر ۱۳۳۱/۲۳ جولای ۱۹۵۲ به کمک ژنرال نجیب و همکاری اخوان المسلمین قدرت را به دست گرفت و نظام مصر را جمهوری اعلام کرد و ناسیونالیسم عربی را ایدئولوژی حکومتی خود قرار داد. بعد از او انور سادات و به میزانی بسیار کمتر حسنی مبارک برای کنار زدن ناسیونالیسم عربی یا پان‌عربیسم و جایگزینی آن با میهن پرستی مصری محور، تلاش کردند. در زمان سادات، مصر به کشوری تبدیل شد که در عین ارائه تصویری از یک دموکراسی چندحزبی در خارج، دارای ریاست جمهوری مادام‌العمر شبیه پادشاه بود. پس از آن، نظامی تقریباً سکولار بر مصر حاکم شد که در طول چندین دهه تلاش کرد جنبش‌ها و نیروهای اسلام‌گرا را دور از قدرت نگه دارد.

مبارک اعلام کرده بود که نه ناصر است و نه سادات، ولی در میانه دهه ۱۹۹۰، مصر شاهد «ساداتی شدن» مبارک بود که رویه سیاسی رئیس‌جمهور پیشین را در پیش گرفت. فساد سیاسی



مبارک دیکتاتور مخلوع مصر و او باما رئیس‌جمهور امریکا

و اقتصادی حسنی مبارک و حکومتش باعث رشد فعالیت‌ها و جنبش‌های اسلامی، به‌ویژه جمعیت اخوان المسلمین شد که در نهایت موجب سرنگونی رژیم دیکتاتوری مصر و سقوط مبارک گردید. بیداری اسلامی در مصر ریشه‌دار بود و به همین دلیل شعله‌های انقلاب مردم مصر با یک تظاهرات زبانه کشید و به‌سرعت به مناطق دیگر هم سرایت کرد. امواج سهمگین انقلاب مردم حسنی مبارک را مجبور به تسلیم و شکست کرد.



قیام مردم مصر در میدان التحریر (آزادی)

برگی از تاریخ

محمد غزالی (۱۲۹۶-۱۳۷۵ش/۱۹۱۷-۱۹۹۶م)

شیخ محمد غزالی، از اندیشمندان و فقهای بزرگ اسلامی مصر و یکی از رهبران جمعیت اخوان المسلمین بود. او با تألیف بیش از ۵۰ اثر در حوزه اسلام شناسی، یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های دینی قرن بیستم به‌شمار می‌رود. او یکی از داعیان اندیشه تقریب مذاهب اسلامی بود و برای این کار، تلاش‌های بسیاری را انجام داد. اما پس از گذشت ده‌ها سال، او متوجه شد که اصلاحات موضعی، گره از بدبختی امت اسلامی نمی‌گشاید و راه چاره را در بازگشت به قرآن و شکستن رویه تقلید و تقدیس اشخاص و نام‌ها، دید. این روش، همان دیدگاهی بود که حدود یک قرن قبل از وی، توسط محمد عبده به‌وجود آمده بود، اما با نفوذ وهابیت و حمایت‌های تلویحی غرب،

مکتب اصلاحی عبده به انحراف و نابودی کشانده شد. غزالی، ریشه انحرافات از اسلام راستین را در دوری از قرآن و وجود انواع و اقسام احادیث کذب و جعلی که تحت نام سنت نبوی، به دروغ به اسلام، افترا زده شده‌اند، می‌دانست. گرچه به او مقام دولتی داده شد ولی به فعالیت‌های فکری و سیاسی خود وسعت بخشید که به برکناری او انجامید. پس از آن به مکه رفت و در دانشگاه ام‌القری به تدریس پرداخت و پس از هفت سال مجدداً به مصر بازگشت و به معاونت وزارت اوقاف رسید. وی پس از مدتی به الجزایر رفت و به ریاست دانشگاه امیر عبدالقادر منصوب شد و همچنین به تدریس دروس تفسیر قرآن پرداخت. شاذلی بن جدید، رئیس جمهور الجزایر نشان لیاقت را که بالاترین نشان آن کشور است، به غزالی داد. عاقبت در ۱۹ اسفند ۱۳۷۵/۹ مارس ۱۹۹۶ در اثر حمله قلبی درگذشت.

غزالی اندیشه اصلاحی خود را با تبلیغ و دعوت درهم آمیخت و به‌عنوان یکی از داعیان اندیشه تقریب مذاهب اسلامی تلاش‌های بسیاری را انجام داد. ده‌ها سال تجربه و تدریس در مصر، سعودی، الجزایر، قطر... و غزالی را به این نتیجه رساند که راه نجات امت اسلامی از گمراهی و عقب افتادگی در بازگشت به قرآن و ترک خرافات ضد قرآنی است.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های حیات فکری غزالی را می‌توان رویارویی فکری وی با سکولاریسم دانست. از نظر او، اسلام دینی جامع است و اصول و احکام آن قابلیت اجرا در همه زمان‌ها و مکان‌ها را دارد. از این رو وی سکولاریسم، به معنای جدایی دین از سیاست و عدم اجرای شریعت اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، را مساوی با ارتداد می‌دانست. وی دوری مسلمانان از تعقل و تجربه‌گرایی را مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی جهان اسلام تلقی می‌کرد.

پ) بیداری اسلامی در لیبی: کشور اسلامی لیبی در شمال آفریقا واقع شده است. حکومت لیبی به رغم داشتن شالوده‌های اولیه اسلامی، دارای نوعی ایدئولوژی سیاسی سکولار بوده است. در سال ۱۳۵۷ش/۱۹۷۸م معمر قذافی اعلام کرد که سنت و احادیث نبوی به خاطر شبهات وارد شده از حجیت ساقط است. این نظریه رسمی در سکولار کردن قدرت سیاسی بسیار مؤثر بود، به‌گونه‌ای که در این کشور مبدأ تاریخ از زمان هجرت به زمان ارتحال پیامبر اکرم (ص) تغییر یافت.^۱ در مجموع تأکید اصلی قذافی بر پان‌عربیسم بود. وی اسلام را ابزاری برای اجرای منویات خود می‌دانست؛ با بالا گرفتن قیام مردم لیبی، قذافی در نخستین واکنش، قیام‌کنندگان را

۱- افتخاری، اصغر، «تأثیرات انقلاب اسلامی در گستره جهانی»، نامه پژوهش، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان

مشتی جوان وابسته به القاعده و مصرف‌کنندگان قرص‌های روان‌گردان توصیف کرد، اما با مشاهده سقوط شهرهای بزرگ و حساس نظیر بن‌غازی، البیضاء، مصراته و زاویه در شرق و غرب کشور، قذافی دچار یک جنون نظامی شد. استراتژی قذافی این بود که جنبش اعتراضی را به سرعت به فاز نظامی منتقل کند تا اولاً زمینه سرکوب آن را فراهم کند؛ ثانیاً همبستگی درونی وفاداران خود را که مانند وی دچار شوک شده بودند، برای مرحله بعدی عملیات نظامی حفظ کند. جنبه دوم استراتژی نظامی قذافی این بود که مناطق آزادشده کشور را در مرحله نخست به حال خود رها کند و خود به حفظ مناطق تحت نفوذ خود - که به منطقه میانی لیبی تا جنوب و در باریکه‌ای از وفاداران قبیله‌ای اش محدود می‌شود - بپردازد. سپس در مرحله بعدی، اقدام به شروع عملیات ضد حمله برای آزادسازی مناطق به گفته قذافی «اشغالی» لیبی کند. با ورود ناتو در مسئله لیبی کفه قدرت به نفع مخالفان قذافی سنگینی کرد. سرانجام پس از ماه‌ها درگیری نظامی با سقوط طرابلس، حکومت قذافی سرنگون و خود او کشته شد. نکته جالب در مورد قذافی این است که وضعیت او بیش از هر دیکتاتوری به صدام شبیه بود.



قذافی و سارکوزی رئیس‌جمهور پیشین فرانسه



سرهنگ قذافی دیکتاتور پیشین لیبی در کنار نخست‌وزیر انگلستان

ت) **بیداری اسلامی در یمن:** جمهوری یمن در جنوب شبه‌جزیره عربستان واقع است و دارای نژادهای عرب (۸۶ درصد)، ترک، هندی، ایرانی و سومالیایی است. بیش از ۵۰ درصد یمنی‌ها شیعی مذهب‌اند که غالباً در منطقه صعده و شمال یمن ساکن‌اند. البته عمده شیعیان یمن زیدی‌اند که بعد از امام سجاد(ع)، زید بن علی(ع) را امام می‌دانند. مردم یمن در پی انقلاب‌های گوناگون در کشورهای اسلامی، اعتراضات و تظاهرات گسترده‌ای را در شهرهای مختلف علیه رژیم دیکتاتوری علی عبدالله

صالح آغاز کردند که علی‌رغم طولانی و گسترده بودن مخالفت، با سرکوب شدید مواجه شدند. عاقبت علی عبدالله صالح از یمن گریخت ولی جانشین او نیز مانند سلفش همان سیاست‌های غرب‌گرایانه را ادامه می‌دهد. انقلاب یمن همچنان آتش زیر خاکستر است.



قیام مردم مسلمان یمن

ث) بیداری اسلامی در بحرین: بحرین کوچک‌ترین کشور خاورمیانه است و پس از مالدیو کم‌وسعت‌ترین کشور در جهان اسلام می‌باشد. این کشور مجمع الجزایری است که از ۳۵ جزیره جمعاً به مساحت ۶۹۱/۲ کیلومتر مربع تشکیل شده است. بالغ بر ۸۰ درصد مردم بحرین شیعه‌اند، اما حاکمیت سیاسی به اقلیت سنی تعلق دارد.^۱ بحرین یکی از مراکز مهم تشیع در دنیا به شمار می‌آید. ارتباط و علاقه ساکنان این جزیره با مذهب تشیع به حدی محکم و قوی است که در نزد اهالی شبه جزیره و ساحل نشینان خلیج فارس، کلمه «بحرانی» مترادف با کلمه شیعی به کار می‌رود و اقلیت اهل سنت در این جزیره به نام «اهل البحرین» خوانده می‌شوند، نه بحرانی. خاندان آل خلیفه از سال ۱۱۶۱ ش/۱۷۸۲ م به کمک استعمار خارجی خاک بحرین را به اشغال خود در آورده و یک حکومت مطلقه و دیکتاتوری را در این کشور پایه‌گذاری کردند.

سابقه جنبش‌ها و فعالیت‌های سیاسی در بحرین به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، خصوصاً به اوایل دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد.^۲ اما بروز انقلاب اسلامی در ایران را باید منشأ تحولات و دگرگونی‌های جدید سیاسی در بحرین به حساب آورد که منجر به گسترش روند آزادسازی سیاسی

۱- نشأت، صادق، تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت کانون کتاب، ۱۳۴۴، ص ۴۴۳.

۲- بحرین، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱.



میدان لولو، نقطه آغازین قیام بحرینیان

در این کشور شده است. دست کم از دو دهه پیش تاکنون مردم بحرین به طور جدی خواستار انجام اصلاحات اساسی و برکناری حکومت آل خلیفه هستند و در این راه شهدای زیادی را تقدیم کرده اند ولی به دلیل حمایت خارجی از آن رژیم و سرکوب شدید مردم، انقلاب بحرین هنوز به نتیجه نرسیده است. از تشکل‌های سیاسی و مبارز این کشور می‌توان به «جنبش اسلامی برای آزادی بحرین»، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین»، «جبهه مردمی برای آزادی بحرین»، «جنبش قانون اساسی» و «جبهه آزادی ملی بحرین» اشاره کرد.

موج ناآرامی‌ها در بحرین از زمانی آغاز شد که درخواست برپایی مجدد پارلمان (که از سال ۱۳۵۴ ش/۱۹۷۵م منحل شده بود) و همچنین درخواست برای به جریان انداختن قانون اساسی را کد مانده، از جانب امیر شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه، با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد. حتی این درخواست با خشونت نظامی حکومت روبه‌رو شد. موضوع قانون اساسی و پارلمان و همچنین حل مشکل بیکاری که به ویژه در میان شیعیان ریشه دوانده بود، همچنان به حال خود باقی ماند. این موضوع‌ها در حقیقت درخواست‌های محوری و اصلی هواداران انتفاضه بود. ولی متأسفانه از همان ابتدا سیمای فعالان انتفاضه را خرابکار معرفی کردند و در پی آن بی‌درنگ ادعای توطئه، تلاش برای ایجاد انقلاب در بحرین به رهبری و حمایت از خارج مطرح گردید. غافل از آن که سوء اعمال حاکمیت از جانب حکومت و همچنین توزیع ناعادلانه درآمد و منابع اقتصادی، دو دلیل اصلی است که در بطن این خشم نهفته است. خشمی که در بحرین به وجود آمد در نتیجه فشار و تحقیر شدید اکثریت شیعه بحرین بود.

نقش ولایت فقیه در موج جدید بیداری اسلامی

در بررسی سیر تاریخی نظریه پردازی بیداری اسلامی در تاریخ معاصر، دیدگاه‌ها و تئوری‌های گوناگونی توسط علمای سنی و شیعه مطرح شد و مبنای عمل قرار گرفت که بعضی از آنها شاخص‌تر از بقیه بودند. مثل نظریه سیدجمال‌الدین اسدآبادی (تمدن‌گرایی - اسلام‌گرایی)، رشیدرضا (بازگشت به سنت سلف صالح)، نظریه سیداحمدخان (جنبش علیگر) که نوعی سازش بین مسلمانان استعمارشده و اروپائیان استعمارگر در جهت کسب علوم و فناوری جدید بود، اندیشه آیت‌الله میرزا حسن شیرازی (مقاومت منفی)، فکر آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی (جهاد مسلحانه با اشغالگران) و در تمامی کشورهای اسلامی عده زیادی از متفکران مسلمان، کمک گرفتن از فرهنگ غرب در روزآمد کردن باورها و احکام اسلامی (طیف وسیع اسلام‌گرایان لیبرال مسلک تا مسلمان سوسیالیست) را طریق نجات مسلمانان و رهایی آنها از عقب‌ماندگی پیشنهاد کردند.

برگی از تاریخ

میرزا محمدتقی شیرازی معروف به میرزای دوم یا میرزای کوچک (۱۲۱۹ش شیراز - ۵ شهریور ۱۲۹۹ش کربلا)، از مراجع تقلید ایران و رهبر نهضت استقلال‌طلبی عراق در سال ۱۲۳۳ش به عراق رفت و در کربلا اقامت گزید. سپس راهی سامرا شد و در حلقه شاگردان میرزا محمدحسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی وارد شد و به یکی از علمای بزرگ زمان خود تبدیل شد. پس از درگذشت آیت‌الله سیدکاظم یزدی در سال ۱۲۹۸ش مرجعیت شیعیان به ایشان رسید. وی همچون میرزای شیرازی و آخوند خراسانی، مرجعی بزرگ، روشن‌بین و آگاه به مسائل سیاسی جهان اسلام بود و از ماهیت اقدامات و عملکرد استعمارگران زمان خود، به‌ویژه انگلیس و روسیه شناخت دقیقی داشت. در سال ۱۲۹۰ش پس از تجاوز نیروهای روسیه به شمال ایران و کشتار مردم و آزادی‌خواهان، برای مقابله با روس‌ها فتوا صادر کرد. در جریان جنگ جهانی اول نیز علیه تجاوزات متفقین به کشورهای اسلامی چندین بار فتوا صادر نمود و مسلمانان را بر وحدت و مقاومت در مقابل آنها فراخواند. به دنبال اشغال عراق در پایان جنگ جهانی اول از سوی انگلیسی‌ها، میرزا محمدتقی شیرازی با تأسیس «جمعیت اسلامی» در صدد مبارزه با اشغال عراق از سوی استعمارگران انگلیسی و تلاش آنها برای قیمومت عراق برآمد. وی کوشش‌های فراوانی برای وحدت علما و مردم برای مبارزه منسجم با انگلیسی‌ها انجام داد و پس از اتمام حجت بر انگلیسی‌ها، علیه آنها اعلام جهاد کرد. عاقبت در ۵ شهریور ۱۲۹۹ش در هشتاد سالگی در حساس‌ترین و بحرانی‌ترین دوران انقلاب مردم عراق، در کربلا درگذشت و در جوار حضرت سیدالشهدا (ع) به خاک سپرده شد.^۱

۱- حکیمی، بیدارگران اقلیم قبله، ص ۹۲-۱۲۹.

ولی در بین این مجموعه متفکرین و پیشوایان دینی باید از سه نفر در صدر نظریه پردازان عصر جدید و موج جاری بیداری اسلامی نام برد: ۱- آیت الله حاج شیخ محمدحسین نائینی ۲- استاد حسن البناء ۳- حضرت امام خمینی (ره). مرحوم نائینی برای اولین بار نظریه حکومت مشروطه مشروعه را در کتاب ارزشمند *تبیه الامه و تنزیه المله* تبیین و نوعی از مردم سالاری دینی را در مقابل دموکراسی سکولار غرب ارائه کرد و بعداً شهید شیخ فضل الله نوری با افزودن اصل دوم متمم قانون اساسی، نظارت پنج نفر مجتهد تراز اول را بر قوانین موضوعه، مشروعیت مشروطه را با خون خود امضا کرد. استاد حسن البناء با رد مطلق تبعیت از فرهنگ غرب و حرکت در چارچوب اصول اسلامی و احیای قرآن و سنت، نهضت اخوان المسلمین را پایه گذاری کرد که بدون تردید اصیل ترین حرکت فکری در جریان بیداری اسلامی اهل سنت در عصر حاضر است.

اندیشه و نهضت امام خمینی (ره) نقطه عطف تاریخ دویست ساله بیداری اسلامی در سراسر جهان اسلام بود. دیدگاه جامع حضرت امام خمینی در کتاب *ولایت فقیه* بر پایه های محکم قرآن و سنت و احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم السلام با پشتوانه فقه، عرفان، کلام، فلسفه و اجتهاد پویای اسلامی پاسخی به سؤالات مسلمانان محروم و تحقیر شده توسط فرهنگ استعمار و سرخورده از مکاتب تقلیدی چپ، راست و التقاطی بود.

ایمان، تقوا، اخلاص، هوشمندی، شجاعت و از خودگذشتگی امام نقش اساسی در عملی کردن نظریه ولایت فقیه داشت. پیروزی بر رژیم پهلوی و اخراج آمریکایی ها و متحدین غربی آنها و صهیونیست ها از ایران و برپایی حکومتی بر اساس مردم سالاری دینی و ایستادگی در برابر فراگیرترین جنگ طولانی تاریخ ایران که از سوی غرب و ارتجاع عرب بر کشور ما تحمیل شده بود و استمرار مقاومت در جنگ و مذاکرات صلح و حفظ قرارداد ۱۹۷۵ (که جامع ترین و حیاتی ترین قرارداد مرزی ایران و عراق است که براساس آن نیمی از اروندرود متعلق به ایران است و مرزهای زمینی بین دو کشور براساس قرارداد ۱۹۱۳ م/ ۱۲۹۲ ش استانبول و پروتکل الحاقی ۱۹۱۴ م/ ۱۲۹۳ ش تثبیت شده است) و از کار انداختن ماشین جنگی بعث عراق در غرب کشور و ایستادگی در برابر هجوم اردوگاه کمونیسم بر افغانستان در مرزهای شرقی ایران و فراهم کردن مقدمات فروپاشی اردوگاه کمونیسم، حمایت از مجاهدین افغانی همگی نشانه های عملی صحت نظریه امام خمینی (ره) و کارایی ولایت فقیه و مردم سالاری دینی بود.

نکته مهم دیگر، استمرار راه امام توسط آیت الله خامنه ای، ولی فقیه پس از امام بود. اهمیت حوادثی که در زمان رهبری آیت الله خامنه ای در صحنه بین المللی و منطقه ای رخ داد، کمتر از زمان

حضرت امام نبود. فروپاشی جهان کمونیسم، حمله عراق به کویت و دو نوبت تهاجم امریکائیان به عراق و اشغال آن کشور، پیروزی حزب الله، حماس و جنبش جهاد اسلامی بر رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۳۳ روزه لبنان، ۲۲ روزه و ۸ روزه غزه که همگی این پیروزی‌ها به کمک ایران به دست آمد و شکست القاعده به عنوان نیروی افراطی به اصطلاح اسلامی ولی دست‌ساز استعمار و ارتجاع در مرز شرقی ایران، حمایت از مردم عراق در اخراج آمریکایی‌ها و برای اولین بار روی کار آمدن یک حکومت مردمی در عراق، نفوذ منطقه‌ای و تأثیرگذاری بین‌المللی جمهوری اسلامی را افزایش داد. به طوری که اکنون هیچ مسئله منطقه‌ای در غرب آسیا و خاورمیانه نیست که بدون کمک و مداخله ایران حل شود و این سخنی است که جملگی برآند و حتی امریکائیان بارها بر آن تأکید کرده‌اند.

از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در زمان رهبری آیت‌الله خامنه‌ای که بر جریان بیداری اسلامی اثرگذار بوده است، پیشرفت اساسی در تکنولوژی هسته‌ای و فناوری فضایی و خودکفایی دفاعی است. تعداد کشورهایی که از خودکفایی هسته‌ای مثل ایران برخوردارند از ۲۰ کشور تجاوز نمی‌کند و تعداد آنهایی که فناوری ارسال سفینه به مدار زمین دارند و ایران یکی از آنهاست اندکی بیش از انگستان دست‌هاست. در نانو تکنولوژی و مهندسی سلول‌های بنیادی و پیوند اعضا و بیولوژی مولکولی، ایران از کشورهای صاحب‌نام شده است. از نظر تعداد مقالات علمی مورد قبول محافل بین‌المللی ایران بالاترین مقام را در منطقه دارد.

ظهور انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی ایران و ایستادگی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پرچمداری نجات فلسطین، تشکیل زنجیره مقاومت در برابر توسعه‌طلبی غرب به رهبری آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی و رشد سریع در حوزه علوم و فناوری ایران و خودکفایی رده بالای دفاعی و ایستادگی در برابر یکی از جدی‌ترین تحریم‌های بین‌المللی و از همه مهم‌تر، حضور پرشور مردم در کلیه صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و حمایت بی‌کم و کاست از نظام نو بنیاد و بی‌سابقه مردم‌سالاری دینی حول محور ارزش‌های اسلامی و شرکت چند ده میلیون نفری در انتخابات‌های متعدد کشور همگی از کشور ما الگویی ساخته است که در کل جهان اسلام و کشورهای جهان سوم حرف اول را می‌زند و امروز هیچ کشوری را نمی‌یابیم که چون ایران این چنین راست‌قامتان در برابر زورگویی امریکائیان و متحدین آن ایستاده است و به راه افتخارآفرین خویش ادامه می‌دهد. راهی که در تاریخ ایران بی‌سابقه است.

به بن‌بست رسیدن تفکر کمونیستی و انحطاط سیستم سرمایه‌داری و فقدان مشروعیت و عدم

مقبولیت حکومت‌های وابسته به قدرت‌های سلطه‌جو و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهانی و سستی بنیان‌های اخلاقی و از هم پاشیدگی بنیان‌های خانواده و جوامع بشری تحت تأثیر فرهنگ مخرب غربی منجر به یأس و سرخوردگی ملل اسلامی از روش‌ها و مکاتب تقلیدی و وارداتی، همگی موجب فعل و انفعالاتی در جهان اسلام شد که می‌توان از آن به شکل‌گیری موج جدید بیداری اسلامی ایران با مبدأ انقلاب اسلامی به معماری حضرت امام خمینی (ره) تعبیر کرد.

اصول انقلاب‌های کنونی در کشورهای اسلامی

- ۱- احیای عزت و کرامت ملی؛
- ۲- اسلام‌گرایی؛
- ۳- ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه غرب؛
- ۴- مبارزه با رژیم جعلی صهیونیستی؛
- ۵- مردمی بودن.

عناصر هویتی بیداری اسلامی کنونی

- ۱- مردمی بودن؛
- ۲- اسلامی بودن؛
- ۳- استکبارستیزی.

پیامدهای بیداری اسلامی نوین در کشورهای اسلامی

- ۱- ایجاد شور و نشاط اجتماعی و احیای خودباوری دینی و اجتماعی در ملت‌های مسلمان؛
- ۲- از بین رفتن حاکمان دیکتاتور و دولت‌های دست‌نشانده و سرسپرده به نظام سلطه؛
- ۳- نفوذ و تحکیم روابط اسلامی بین ملت‌ها و دولت‌ها و فراهم شدن زمینه‌های همگرایی مسلمانان؛
- ۴- فراهم آمدن فرصت برای پیگیری مطالبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود به‌ویژه در مورد قدرت‌های سلطه‌گر؛
- ۵- از میان رفتن یا تضعیف پایگاه‌ها و حامیان رژیم صهیونیستی در کشورهای اسلامی دارای

تجربه بیداری اسلامی؛

۶- قدرت‌گیری و رشد اقتدار جنبش‌های اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی، به ویژه جنبش‌های حماس، جهاد اسلامی فلسطین و حزب‌الله لبنان.

بیشتر بدانید

آسیب‌های احتمالی پیش روی بیداری اسلامی

- ۱- سطحی‌نگری و عدم درک صحیح تعالیم اسلامی؛
- ۲- نادیده گرفتن نظرات مجتهدان و فقهای اسلامی؛
- ۳- خودباختگی و تقلید از فرهنگ غرب و دور شدن از هویت اسلامی؛
- ۴- یأس و وادادگی در برابر فشارهای دشمن؛
- ۵- برگزیدن شیوه‌های نادرست مبارزاتی؛
- ۶- تحریک و تطمیع از سوی نظام سلطه؛
- ۷- تحجر؛
- ۸- اختلافات مذهبی و فرقه‌ای.

پرسش‌های نمونه

- ۱- اصول انقلاب‌های اخیر و کنونی در کشورهای اسلامی را بنویسید.
- ۲- چند مورد از تعبیری که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد بیداری اسلامی بیان نموده‌اند را بنویسید.
- ۳- علل شکل‌گیری و تداوم بیداری اسلامی در بحرین کدام‌اند؟
- ۴- اصول و اندیشه رهبر بیداری اسلامی در تونس را شرح دهید.

اندیشه و جست و جو

نقش جمعیت اخوان المسلمین را در جریان بیداری اسلامی در مصر بررسی کنید.

منابع و مآخذ

- آبادیان، حسین، اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶.
- ابوطالبی، مهدی، «سه موج بیداری اسلامی و توجه به اسلام پس از انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، در مقالات برگزیده همایش نظریه بیداری اسلامی، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۱.
- افتخاری، اصغر، «تأثیرات انقلاب اسلامی در گستره جهانی»، فصلنامه نامه پژوهش، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
- الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، چ دوم، ۱۳۶۹.
- امیرشاهی، ذوالفقار، لیبی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۷.
- بحرین، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶.
- بهشتی سرشت، محسن، نقش علما در سیاست از مشروطه تا انقراض قاجار، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، www.khamenei.ir، بیانات.
- جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
- حائری، عبدالهادی، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه بورژوازی تمدن غرب، تهران، امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۷۲.
- حکیمی، محمدرضا، بیدارگران اقلیم قبله، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷.
- راثین، سیما، واقعه گوه‌رشاد به روایت دیگر، تهران، نشر راثین، ۱۳۷۹.
- راعی گلوجه، سجاد، قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- رحمانیان، داریوش، تاریخ تفکر سیاسی در دوره قاجاریه، تهران، دانشگاه پیام نور، چ دوم، ۱۳۸۹.
- رسائل مشروطیت (۱۸ لایحه و رساله درباره مشروطیت)، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، کویر، ۱۳۷۴.
- سازمان اسناد ملی ایران، خشونت و فرهنگ: اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۲۲-۱۳۱۳)، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱.
- شعبانی، حجت، «پیروزی انقلاب اسلامی ایران طلیعه بیداری اسلامی»، در مقالات برگزیده همایش نظریه بیداری اسلامی، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۱.
- صوفی نیارکی، تقی، بیداری اسلامی (هویت تمدنی و چالش‌های پیش رو) در اندیشه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۱.
- فرهمند، جلال، «گذری بر امتیازات بی‌دری انگلیس در عهد ناصری»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران.
- کرمانشاهی، آقا احمد، مرآت الاحوال جهان‌نما، به تصحیح و اهتمام علی دوانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.

- کریمی، حجت‌الله، جمهوری‌خواهی ایرانی؛ رویکردی تاریخی با مطالعه نظریه جمهوری اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- مبارزات امام خمینی از هجرت به فرانسه تا بازگشت به ایران به روایت اسناد، به کوشش سجاد راعی گلوجه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- مبارزات امام خمینی به روایت اسناد (در دوران تبعید در نجف)، به کوشش غلامعلی پاشازاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج ۱، تهران، آقبال، ج ششم، ۱۳۶۷.
- مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، ترجمه سیدعلی حسینی خامنه‌ای، تهران، آسیا، ۱۳۴۷.
- مطلبی جونتانی، محسن، «مؤلفه‌های تأثیرگذار انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی»، در مجموعه مقالات برگزیده اجلاس بین‌المللی جوانان و بیداری اسلامی، به کوشش کمیته علمی اجلاس، تهران، مؤسسه ابناء، ۱۳۹۰.
- معتمد رضایی، «بررسی وعده قرآنی نصرت الهی در بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری»، در مقالات برگزیده همایش نظریه بیداری اسلامی، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۱.
- مکی، حسین، مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
- منیری، حمیدرضا، انقلاب اسلامی و احیای کارکردهای دین در عرصه جهانی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۱.
- موثقی، احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، سمت، ج دهم، ۱۳۸۶.
- نجفی، موسی و فقیه حقانی، موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران؛ بررسی مؤلفه‌های دین – حاکمیت – مدنیت و تکوین دولت – ملت در گستره هویت ملی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱.
- نشأت، صادق، تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت کانون کتاب، ۱۳۴۴.
- وزارت امور خارجه، احزاب سیاسی مصر، تهران، دفتر برنامه‌ریزی و خدمات آموزشی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
- ولایتی، علی‌اکبر، (مدخل: بیداری اسلامی)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.
- همو، «نظریه بیداری اسلامی، خط اعتدال آرمان‌گرا در حرکت‌های اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، در مقالات برگزیده همایش نظریه بیداری اسلامی، تهران، نهضت نرم‌افزاری، ۱۳۹۱.
- همو، بیداری اسلامی، تهران، اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰.
- همو، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد ۴، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- همو، حرفی از هزاران، مجموعه مقالات، گفتگوها و سخنرانی‌ها، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- همو، مقدمه فکری نهضت مشروطیت، تهران، ج ششم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
- هدایت (مخبر السلطنه)، مهدیقلی، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، ۱۳۷۵.

